

سر مقال

ذبح آزادی

بروش اسلامی

سایه شوم خفقان و سرکوب بر
آحاد زندگی توده های مردم
سایه افکننده است .
جنایات رژیم آنچنان ابعاد
گسترده ای یافته که دیگر هیچکس
بجز وابستگان و سر سپردگان رژیم
را مصون نمیدارد . هرگونه
مخالفت عقلی با سیاستهای
جنایتبار رژیم بشدت منکوب میشود
دامنه نفی آزادبها نه در سطح
حقوق اجتماعی که در رابطه با
مسائل فردی، و شخصی نیز بشدت
دامنگستر است .

صفحه ۲

بنام آوارگان جنگ بکام سازندگان جنگ

ورقت بار جنگزدگان به آنجا
رسیده است که جناحهای رقیب
در حکومت آنرا جملاتی برای کوبیدن
بر سر یکدیگر کرده اند . پیش از
۴۹ نفر از نمایندگان مجلس در ابان
ماه وزیر کشور را به استیضاح کشیدند
صفحه ۵

بیش از ۳ سال از آغاز جنگ از جمعی
و خائمان سوز بین ایران و عراق
میگذرد . در این مدت بین از دو
میلیون نفر از توده های مناطق
جنگی آواره و در بدر شده و در
سفت ترین و بدترین شرایط روزگار
گذرانیده اند . وضعیت اسفناک

ملاحظات درباره

کمیته های مخفی اعتصاب

سازماندهی تا به آنجا بررسی شد
که گفتیم : با در نظر گرفتن چهار
ویژگی ، یعنی تداوم بحران
انقلابی ، اختناق و سرکوب ، عدم
صفحه ۷

در اولین بخش مقاله در کار ۱۷۳
زمینه هایی که شکل ویژه ای از
سازماندهی را در شرایط کنونی
ایجاب میکند مورد بررسی قرار
گرفت ، و ملاحظات درباره

در این شماره:

● یادداشت‌های سیاسی

صفحه ۲۶

● ضمیمه خبری کار

۸ صفحه

● جاودان باد خاطره ...

صفحه ۲۶

شوراها و قدرت سیاسی

بنیاد شصت و ششمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر صفحه ۳

قطعه نامه

اکیسو نه‌های سراسری

صفحه ۲۰

اطلاعیه

کمیته خارج از کشور

صفحه ۹

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

ذبح آزادی

بقیه از صفحه ۱

اینک دیگر جنایات را یادش بسیار است و آگاهی بر فجاج نیز جسد و حرکت در جهت نفی آن چرمی در خد جوخه های مرگ .

شاید به تصویر کشیدن آنچه که اینک میگذرد چندان دشوار نباشد اما برای آنان که در این جهنم خروشن حضور ندارند، سایر داشتن وضعیت موجود دشوار و دراز ذهن به مایه بویژه که این وضعیت حتی در فاشیستی ترین رژیمهای جهان نظیر دیکتاتوریهای نظامی آمریکای لاتین و . . . نیز وجود ندارد . بجز آن میتوان گفت که هرگز نمی توان در جهان رژیم ریافت که اینهمه مزدور را در بوشهای گوناگون و با اشکال متنوع و در سازماندهی های مختلف بخدمت گیرد .

قشر وسیع لومین بره لتاریا که لشکر وسیع برکوبگران رژیم را تشکیل میدهند به همراه عقوبت مانده ترین و نا آگاه ترین قشر اجتماع، زندگی اکثریت تریب به اتفاق کارگران، دهقانان و اقشار وسیع خرد بورژوازی شهری و روشنفکران انقلابی را مورد تهدید قرار داده اند . این مزدوران در گشتهای کوناگون عظمی نظیر تاراله - ایثار (کمیته) - ارشاد ، - ادستانی ، جنداله ، (ژاندارمری) ، گشت شهرانی و . . . خدمت گذاری رژیم مشغولند و در کنار این گشتهای متعدد ، گشتهای مخفی سپاه و کمیته و

ساواما در اتومبیلهای شخصی و ترکیبهای متفاوت، و یاریه تعقیب و مراقبت نیروهای انقلابی و دستگیریهای شناسائی شده خیابانی را بعهدہ دارند که همه این مزدوران مسلح بوده و در مقابل هرگونه مقاومتی باسلحه متوسل میشوند .

علاوه بر این حدود ۲۰۰ عدد تاکسی و کرایه و تمدادی وانت بار متعلق به سپاه و کمیته و همچنین ماشینهای با آرم دولتی در خیابانها به گشت زنی مشغولند از میان انواع گشتهای گشت ارشاد متشکل از دوزن و دویاسدارمرد علاوه بر اینکه مأمور دستگیری زناتی هستند که با اصطلاح "حجاب اسلامی" را رعایت نمیکنند و دستگیریهایی نیز در این زمینه دارند، اما وظیفه اصلی آنها باز دید بدنی از انقلابیون زن در خیابانها میباشد . در شرایطی که سپاههای خارجی در ایران بائند گشتهای گشتی بطور محسوس گاهش یافته ، برگشتهای مخفی افزوده میشود . همچنین در میاقوسی که رژیم نمایشات مذهبی و یا سیاسی دارد از جمله تظاهرات و . . . گشتهای شدت کاغذ میبایند چرا که همساز مزدوران باید صحنه های نمایش را انباشته از جمعیت سازند علاوه بر این شبکه گسترده پلیس که به صورت حکومت نظامی آشکار و غیر رسمی در خیابانها خود نمائی می کنند و شرآنکس را که بخواهند و بدان مشکوک شوند دستگیر میکنند ، در کلیه مساجد متمرکز در محلات عناصر مزدور بسیجی به کنترل مشغولند . اینگونه

مساجد که نقش اولیه جاسوسی را بعهدہ دارند از طریق صدور دفترچه هایی برای خانواده ها سعی میکنند هرگونه تغییرمکان را تحت نظر قرار دهند .

علاوه بر این در مراکز صنعتی و ادارات ، اداره حفاظت ساواک شاه با نام اداره "حراست" بکار تفتیش عقاید و شناسائی فعالین کارگری و کارمندی مشغولند و البته از همیاری ساواکی های گذشته نیز بشدت برخوردارند .

انجمن های اسلامی بهمانه شبکه جاسوسی ارگان حراست به کنترل و گزارشدهی مشغولند . در مدارس "مسئولین امور تربیتی" بکمک انجمن های اسلامی کار ساواک را انجام میدهند این عناصر حتی از کودکان و بچه های سال اول دبستان باز جوفی میکنند تا خانواده آنان را شناسائی کنند .

دانشگاهها نیز از این امر مستثنی نیستند بلکه با شدت بیشتری کنترل میشوند . هرگونه تشکل صنفی توده ای غیر قانونی اعلام شده است و تنها ارگانهای خواه ساخته رژیم نظیر انجمن های اسلامی حق فعالیت دارند .

مسئله زن و موضوع برخورد رژیم جمهوری اسلامی با زنان بیشتر به شیوه های قرون وسطائی شباهت است حتی اگر بخواهیم عمق فاجعه را دریابیم باید گفت که از دیدگاه رژیم اصلاً زن بحثی نباید مگر برای ارضاء مطامع شهوانی و پدیدیده صیغه درجامه فلاکت زده ایران امروز تشکل پوشیده فحشاء را بخود گرفته است .

مقصد صفحه ۱۰

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست



شوراها و قدرت سیاسی

پتیه از شماره قبل

درون شوراها این نقائص، زود باوربها و عدم آگاهی ها میتواند سرعت زایل شود. همه قدرت بدست شوراها، البته در حطت خرده بورژوازی معناتان تغییر میدهد و ولی میتواند بهترین راه در جدائی دهقانان از بورژوازی که در اثر سنتها و عادات و ایمان خرافی به همزویی آن تن میدادند، مبادع هو از این طریق تسهیل در حرکت آنان بدست پرولتاریا و الحاق به آن است. این جدا سازی طبقات از هم وظایفی است که بلشویکها بر عهده میکنند و با وجودی که شوراها بمثابه تنها قدرت سیاسی جامعه استقرار نمی باید، لیکن بر لزوم ضرورت انتقال به این قدرت توأم با جدا سازی طبقات درون شوراها بدون اینکه به اضحلال شوراها منجر شده تا کبد میگردند و بدین منظور کار به گیز برای تکوین آگاهی طبقاتی پرولتاریا و متحد کردن کارگران روستائی با پرولتاریای شهری و ضرورت تشکیل شوراهای مخصوص از کارگران کشاورزی و نیمه پرولتاریا روستا و در صورت عدم امکان بشروی در این مسیر تشکیل

بضم در صفحه ۴

م به آنها نوید مجلسی مومسان میدادند، تا در آنجا نمایندگان بورژوازی آرام، آرام، به "خواستهای خلق" رسیدگی کنند و در عمل یعنی وقت کافی برای ضد انقلاب که بتواند خود را سازمان دهد و به کلیه ستاورهای انقلابی بتازد. حوادث ماه زوئیه و توطنه کور نیلف، همدا "حقانیت بلشویکها را در اصرار با انتقال سریع قدرت به شوراها و بستن کلیه راههای نفوذی ضد انقلاب برای به شکست کزاندن انقلاب را برآورده های کثیری به اثبات رسانید. شوراها بر عکس جمهوری های پارلمانی که شرکت مستقل و مبتکرانه بوده ها را در زندگی سیاسی سد میکنند و آنها را تحت فشار ایدئولوژی بورژوازی به پذیرش وضع موجود را میدارند، ارگانهای است که توده ها از طریق آن هنر اداره کردن قدرت را میآموزند و کلیه سد های محدود کننده از پیش پای آنان برداشته میشود. همه قدرت بدست شوراها، تنها راه فائق آمدن به نفسها و زود باوربهای خرده بورژوازی نسبت بر مابعد داران است. در جریان مشارکت توده ای و تجربه اندوزی

اما مفهوم شمار " همه قدرت بدست شوراها " چه بود و دست عمل آنها تا کجا میتواند امتداد یابد؟ شوراها ی نمایندگان بنا قدرت سیاسی از نوع موسساتی همانند کمون هستند که با آن نوع قدرت سمکراسی بورژوازی متفاوتند. قدرت بدست شوراها مفهوم دیگر گونی را دیکال در کل ماشین دولتی کهن یعنی سنگاها، سرورکراتیک که مانع هر امر دموکراتیکی میگردد، میباشد. عبارت دیگر احاطه این ماشین و جایگزین کردن آن با دولت خلقی جدید، سنگا، واقعا " دموکراتیک، تعلق به شوراهاست مشکل و ملح اکثریت مردم یعنی کارگران، دهقانان و سربازان این شمار باین معنی است که به مردم اجازه دخالت مستقیم و آزاد نه تنها در انتخابات نمایندگان بلکه همچنین در اداره دولت در اجرای اصلاحات و دیگر تغییرات داده شود. (۴) و فقط این سنگا، دولتی میتواند حداکثر ضمانت لازم را در مقابل بازرگشت سلطنت و ارتجاع داشته باشد. حرکت استوار، سیستماتیک، نتیجه بخش بسوی سوسیالیسم را قادر سازد. اما منشیوکها و امراها توده ها را به صبر و امید داشتند

شوراها

وقدرت سیاسی

بقیه از صفحه ۳

فراکسیونهای جدا گانه این کارگران و نیمه پرولتاریا در شوراهای دهقانی اصرار میورزیدند چه بدون این جدا سازی بدون تشکیلات مستقل پرولتاریا درون شوراها امر پیشبرد سیاستهای پرولتری و تضمین انتقال همه قدرت بدست شوراها نامیسر میشود. تنها با چنین درکی از استقلال عمل پرولتاریا درون شوراها است که در برابر نوسانات خرده بورژوازی میتوان ایستاد و با آن مقابله نمود. تنها در چنین صورتی است که تودههای وسیع را میتوان حول برنامه پرولتاریا که حافظ منافع اکثریت است بسیج نمود. "اگر ما متشکل شویم و کار ترویجی خود را با لیاقت انجام ندهیم، آنگاه نه فقط پرولتاریا بلکه نه دم دهقانان نیز با احیاء پلیس، مامورین دولتی تعویضنا پذیر و ممتاز ارتش مجزا از مردم مخالفت خواهند ورزید... و ماهیت نوع جدید دولت هم فقط همین

است... از نقطه نظر بلشویکها تنها قدرت شوراها میتواند پایدار بوده (پایدار البته با توجه به محدوده وظایف ارزشی، در توفانی ترین لحظات و در مقابل توطئه های ضد انقلاب برای بازگشت بدرزیم کهن قدرت ایستادگی و دفع داشته و میتواند استرشد مداوم و وسیع انقلاب را تضمین نماید. اما شوراها تحت سیطره منشیگها و اس-ارها "خود را بعنوان یک سازمان واری و کنترل فعالیتهای دولت میپنداشت" این نوع حزب قدرت شوراها را به بهانه واری و کنترل دولت موقت بسط تنظیم کنندگان قطع نامه ها و پیشنهادات بدولت تنزل دادند و عملاً فرصتهای گرانبهای را به لفاظیهای بیپوده گذراندند. شوراها بمثابه "سازمانهای پیکار جو" بیان تئوریک ارزش طبقاتی اس-ارها و منشیگها با بورژوازی بود در مقابل شمار همه قدرت بدست شوراها که از سوی بلشویکها و در راستای تعمیق مبارزه طبقاتی داده شده بود قرار داشت. در حقیقت ماهیت این نظریه "سازمانهای پیکار جو" که قدرت

را داوطلبانه و آزادانه به بورژوازی تفویض کرده بودند چه میتوانست باشد جز پذیرش قدرت بورژوازی و اینکه شوراها به آلت تبعیت کارگران از بورژوازی خلاصه شوند؟ نقد لنین بر نظریه تسلیم طلبانه "سازمانهای پیکار جو" همان کلام بلشویکی نسبت به شوراها و قدرت سیاسی است: "آیا شوراها باید بکوشند تا سازمانهای دولتی شوند... یا اینکه شوراها نباید در این راه بکوشند، نباید قدرت را بدست گیرند، نباید سازمانهای دولتی شوند بلکه باید بعنوان سازمانها پیکار جوی یک طبقه باقی مانند... بنا بر این طبقه بتمکس پیشفاهنگ تمام زحمتکشان و استثمار شوندگان در جامعه معاصر، باید برای نبرد های قاطع بین سرمایه و کار بکوشند، ولی نباید باین مابین که سرمایه بتوسط آن کار را سرکوب مینماید دست بزنند! نباید این ماشین را در هم شکنند! نباید از سازمان جامع خود برای سرکوب استثمارگران استفاده کند... این در واقع پیوستن به بورژوازیست که آماده است هر چه را خواسته باشید جایز بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱

و یکی از موارد مهم استیضاح مسئله آوارگان جنگ ارتجاعی و عمل کرد "بنیاد امور جنگزدگان" بود. ما سعی می‌نمائیم در این مقاله تصویری هر چند مختصر - از وضعیت نا بهنجار توده های جنگزده و ماهیت "بنیاد امور جنگزدگان" ترسیم نمائیم:

جنگ صدمات و لطمات فراوانی بر توده ها وارد کرد. در همان روزهای اول جنگ، خانه و کاشانه آنان آماج گلوله های توپوتانک، هواپیما و ... قرار گرفته بر سر آنان و بران گشت. توده ها برای نجات جان خود و فرزندانشان مجبور شدند خانه و کاشانه و مال و منال خود را رها کرده بهر شکل ممکن از منطقه خارج شوند و در شهرهای دور یا نزدیک اسکان گزینند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که احساس میکرد با خروج توده ها از شهرها پشتش خالی میشود، سعی میکرد بهر طریقی که امکان دارد از خروج آنان جلوگیری کند و به همین دلیل بجای آنکه هر چه سریعتر برای این رانده های از کاشانه خود مأوا و مسکنی فراهم نماید با سازماندهی و گسیل اوباشان و مزدوران خود به مقابله و اذیت و آزار آنان در شهرهای اسکان یافته پرداخت با این استدلال که ترک شهرهای جنگی خیانت - به جمهوری اسلامی است، و همچنین جهت مقابله با نفوذ انقلابیون، و فعلا لجت آگاهی بخش آنان قصد داشت از استقرار توده های آواره در سایر شهرها ممانعت نماید تا مجبور شوند تحت فشار بی پناهی و آوارگی دوباره به

بنام آوارگان جنگ

شهرهای خویش مراجعت نمایند. توده ها اما به رویا روشی با این سیاست پرداختند. هتل ها، خوابگاهها، ساختمانهای بزرگ سرمایه داران را صادره کرده به تصرف خود درآوردند و در آنها اسکان یافتند. شهرهای دور از جبهه در خوزستان، شیراز، بوشهر، اصفهان، بندرعباس، کرمان و ... مطواز توده های آوارهای شد که اغلب تنها سرمایه زندگیشان لباس تنشان بود و در سخت ترین و فجیع ترین شرایط زندگی دیگری را شروع کردند. ایجاد رژیم تحت پوشش "امت - حزب اله" به عناوین مختلف به اذیت و آزار توده ها پرداختند و حوادثی که در شیراز (بدستور و تحت نظارت "دستخیز")، در اصفهان، در بهبهان و ... بر توده ها گذشت هیچگاه از خارها محو نخواهد شد و چون لکه ننگی بر دامن رژیم بر جای خواهد ماند. اما در مقابل تمامی این اقدامات ضد بشتری توده ها مقاومت کردند و حتی در مناطقی مثل (شیراز) به رویارویی قهرآمیز و مستقیم با اوباشان رژیم پرداختند. این مقاومتها بالاخره رژیم را مجبور به عقب نشینی نمود و اینجا بود که شاید بزرگ قرن "خمینی" و سردمداران جنایتکار رژیم از جمله رفسنجانی دل بر توده ها سوزانند! و فتوا دادند که با آنان با "رافت" اسلامی و مهربانی رفتار شود.

وضعیت غیر قابل تحمل توده ها از نظر اقتصادی و معیشتی، نداشتن

مسکن، نبود بهداشت و آرزاق، بومی و ... تماما باعث رشد روند نا رضایتی و گسترش ضدیت آنان با رژیم شد و ما در اغلب شهرهایی که جنگزدگان اسکان یافته بودند (بویره قبل از سی خرداد) شاهد اعتراضات و حتی درگیری آنان با رژیم بودیم. این روحیه اعتراضی، با توجه به شکل جدید زندگی آنها (بصورت جمعی) در آمد و گاهها و فعالیت آگاهگران نه نیروها و سازمانهای انقلابی بین آنان، گسترش و اعتلا یافت. از طرف دیگر رژیم چون حیات ننگین خویش را در تداوم جنگ می دید، سیاست جنگ طلبانه و تجاوز کارانه خود را می بایستی ادامه میداد. با این سیاست مسئله جنگزدگان بعنوان یک مسئله و مشکل اساسی در مقابل رژیم قرار داشت که می بایستی بشکلی بر آن فائق آید.

رژیم برانجا اینکار اولاً می بایستی بتواند بشکلی از نظر سیاسی توده را تحت کنترل در آورده با شناسائی آنان به سرکوب حرکتهای اعتراضی و انقلابی و قلع و قمع انقلابیون و محترضین بپردازد. در ثانی میبایست این توده ها را تا حدی از نظر اقتصادی تا مین نماید تا زمینهها اعتراض آنان حتی امکان گرفته شود. برای اجرای چنین سیاستی باید ارگانی بوجود می آمد. این ارگان با عنوان "بنیاد امور جنگزدگان" در زمان دولت رجائی ایجاد شد. این بنیاد بنا به ماهیت خود نمیتوانست جدا از منافع و خواست سرمایه داران، جیپا و لگران و دزدان حکومتی حرکت نماید و هر گام خود اگر قدمی در جهت رفع مشکلات جنگزدگان بر میداشت دقیقاً بدین خاطر بود که بتواند چندین قدم در جهت حفظ منافع بقیه در صفحه ۶



بقیه از صفحه ۵

سرمایه داران و غارتگران حاکم برپیدارد. بنیاد از دار سیاسی اطلاعات و ضد اطلاعات ارتش را درون جگر زده عا بازی میکند. از زیر پوشش قرارداد امنی ده ها در سراسر کشور به تیرس مائل توده ها دخالت کرده و با طرح مسائلی مثل "کاریابی" تحقیق جهت بررسی مایحتاج توده ها دادن هزینه حمل و نقل، کمک هزینه ازدواج و... حرکت کلسی توده ها را تحت کنترل در آورده توجیحات لازم را در اختیار ارگانهای سرکوب مثل سپاه، کمیته و... قرار میدهد تا آنها راحت تر به قلع و قمع و سرکوب توده ها بپردازند. بنیاد همچنین سیاست ایجاد تفرقه، دودستگی و تشتت در بین توده ها، ایجاد رقابت های ناسالم بین آنان در مورد گرفتن امتیازات رنانهی را در ساخت تا بتواند راحتتر در زندگی خصوصی توده ها دخالت کرده، تضاد بین آنان را دامن زده، آنها را علیه همدا بگر بشوراند. و اما وظیفه اجرائی از بنیاد، تأمین نیازها و جواب گویی به مشکلات و مسائل جنگزده ها از قبیل ممکن، بهداشت، فرهنگ، از رزاق و... میباشد. در اجرای این وظیفه است که بنیاد از نظر چپاولگران ارزش خاغن خود را پیدا میکند و سرقتی آن مرتب بالا میرود چرا که بنام جنگزده، به حساب جنگ زده و از سهم و حقوق جنگ زده، بخش نسبیها هنگفتی از بودجه کشور به جیب عده های مفتخور و چپاولگر سرازیر میشود و از اینجا میتوان به وضع اسفبار و رقت انگیز جنگزده ها از گذشت ۳ سال از آغاز جنگ پی برد. این سرسپردگی چپاولگران

بنام آوارگان...

آنقدر عمیق پیدا کرده است که عده ای از نمایندگان بمذطور حفظ و حرامت از کل سیستم و از میدان بردن جناح رقیب، به افشا آن بر خواسته، وزیر کشور را به استیضاح میکشاند: "همین امر سبب شده است که مسائل غیر قابل جبران و از جمله هدر دادن بودجه بیت المال و از بین بردن مواد قانونی اشتغال و اسکان و بهداشت و امور فرهنگی و تبلیغی و سایر نابسامانیهای ناشی از بی تفاوتی و بی برنامهگی و تعطل و تسامح، خود مصورکد و استبداد برای بوجود می آید و ضربه بزرگی بر اخلاق و فرهنگ و روحه جنگزدهگان وارد شود که پیامدهای ناشی از آن میتواند سالهای سال برای جمهوری اسلامی سلسله اجتماعی بیافریند و اگر مدیریت آن چنان که تاکنون بوده ادامه یابد این ضربه متوجه نظام جمهوری اسلامی میشود و کمترین ضربه اثر علاوه بر آثار اخلاقی و روانی - اجتماعی بی تفاوت نمودن این مردم نسبت به انقلاب است" (تأکید از ماست - سخنان رشید در مجلس - کیهان ۱۶/۸/۶۲) البته همانطوریکه می بینید نمایند عزیز دلش بران توده ها و وضع ناسامان آنها نسوخته است. اگر اوبه تشریح وضعییت اسفبار جنگزده ها، بی سامانها، بی بهداشتی و... آنان میرد از دست از طرفی بران اثبات این امر است که ادامه این وضعییت ضربه را متوجه نظام و سیستم سرمایه داران حاکم میکند و از طرف دیگر تواند

منافع توده ها را وجه المصلحه دعواهای خانگی بنماید. اوضن آنکه به سیاست "شلاق بدون نان قندی رژیم حمله میکند و پیامدهای ناشی از آنرا که میتواند "سالهای سال برای جمهوری اسلامی مسأل اجتماعی بیافریند" گوشزد مینماید اما برای آنکه خود را وجه المصلحه نشان دهد، مجبور میشود گوشه ها از وضعییت اسفبار زندگی جنک زدهگان و در این رابطه عملکرد "بنیاد" را افشا نماید ما بارها و بارها از وضعییت رقت بار جنگزدهگان و فقر و فاقه - اکم بر زندگی انبوهی از آنان که در بدترین شرایط و در بدترین مکانها از قبیل آلونک، چادر، کبیر و... روزگار میگذرانند صحبت کرده ایم. بلا شک این فقر و فلاکت عمق دستم و استعمار و چپاول را نشان میدهد. رشیدیان نمایند محترم آبادان ابر همین نکته انگشت می گذارد و در جواب "شفیق" میگوید: "بنیاد که ادعا کرده بود، در استان خده رستان حتی یک چادر نیز وجود ندارد می گوید: "اكثر مهاجرین در چادرها، آلونک ها، کبیرها و حلبی آبادهای شادگان، جاده آبادان، ماهشهر، اطراف اهواز، بست فرمانداری ملشهر، شهرک شهید رجایی کشتار، گاه قدیمی ماهشهر، شهرک بلال و سلمان در جاده رامهرمز و بهبهان و سایر نقاط کشور مخصوصاً در غرب بو شهر بوضع رقت باری زندگی میکردند و هنوز هم در بیشتر نقاط فوق الذکر با همان وضع آشفته هستند" (تأکید از ماست - کیهان ۱۶/۸/۶۲) وضع "رقت یار" و "آشفته" توده ها زحمتکش جنگزده و قشور بیشتر عیالی میشود که نایبده محترم آبادان مجبور میشود گوشه ای از مشاهده آ

کمیته‌های مخفی...

بقیه از صفحه ۱
وجود تشکلهای صنفی کارگران در سطح وسیع و بالاخره عدم وجود پیوندی مستحکم میان سازمان پیشاهنگ پرولتاریا و طبقه، شکل ویژه سازماندهی رقم نخورد. این چهار ویژگی نه بشا به اجزائی مجزا از یکدیگر بلکه بصورت یک کل واحد شکل سازماندهی را مشخص و مقید میکنند. بنا بر این شکل پرولتاریا باید بتواند ضمن خنثی نمودن جو ارباب و سرکوب در راستای مضمون انقلابی جنبش، یعنی برپائی امتصاب عمومی سیاسی و قیام سلحانه قرار بگیرد، این شکل از سازماندهی در عین حال باید بگونه‌ای باشد که بتواند مبارزات جاری پرولتاریا را که در شرایط معمول از طریق تشکلهائی نظیر اتحادیه و سندیکا انجام می‌یابد، جوابگو بوده و هم زمان شرایط مناسبی را به منظور پیوند پیشاهنگ با طبقه از یک سو و استحکام پیشاهنگ از طریق جذب کارگران پیشرو که به درک و پذیرش مارکسیسم - لنینیسم نایل می‌آیند، از سوی دیگر فراهم نماید.

را در نظر گیری نکات فوق و نیز جمعبندی از تجارب سازمانها پی پرولتاریا در جنبش انقلابی سال ۵۷، کمیته‌های مخفی امتصاب آن شکل از سازماندهی است که هم متناظر بر وضعیت روندهای عینی و ذهنی جامعه در شرایط کنونی است و هم متناظر بر مضمون حرکت انقلابی توده‌ها در راستای

سرنوئی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان.

مشخصات کمیته‌های مخفی امتصاب

بحثی کاملاً مشخص از چگونگی شکل گیری این کمیته‌ها، شکل دقیق سازمانی و مشخصات آنها با اتکاء به حداقلی از دست آورد های این تشکیلات میتواند ميسر باشد. در عین حال، با توجه به دستاورد های جنبش بین‌المللی کارگری، و دستاوردهای سال ۵۷ و جمعبندی های حاصل از آن، بررسی و وضعیت کنونی مبارزه طبقاتی و چشم انداز آتی جنبش، میتوان در اینجا به عامترین وجوه و عمده ترین مشخصات این کمیته‌ها پرداخت. بر این مبنا، تحت شرایط خود پیوسته کنونی، کمیته‌های مخفی امتصاب تشکیلاتی مخفی، دموکراتیک و انقلابی است که مناسبترین سازمان عمل مستقیم کارگری بوده و تحول پذیر میباشد. لازم به تذکر است که برای کمونیستها همواره تشکیل حزب و چگونگی ارتباط حزب به مثابه پیشاهنگ پرولتاریا و طبقه در محور مباحث مربوط به تشکیلات غیر حزبی پرولتاریا قرار دارد. از اینرو با وجودیکه بحث کنونی پیرامون عامترین مشخصات تشکیلات غیر حزبی کارگران تحت شرایط کنونی دهر میزند، لیکن بنا به ضرورت، رابطه بین پیشاهنگ و طبقه با توجه به شکل ویژه سازماندهی کارگران، نیز تا حدی مطرح میشود. و اما مشخصات

۱- مخفی بودن

بطور کلی، حزب - و در شرایطی چون ایران نیروهای سیاسی طبقه کارگر که به سمت تشکیل حزب جهت گیری دارند - برای اینکه بتوانند نقش پیشاهنگ واقعی طبقه کارگر را ایفا کنند باید پیوسته در راستای گسترده ترین ارتباطات با توده‌های کارگر و سایر زحمتکشان جهت گیری داشته باشد. اما از آنجا که تحقق این عمل با وجود حکومتهای سرکوبگر سرمایه - داری در اکثر مواقع - و در شرایط ایران بطور مطلق - از طریق حزب ملنی و سازمانها و نهاد های ملنی صورت نمیگیرد، ضرورت ارتباط بین حزب و طبقه از کانا لهای مخفی، نیمه مخفی و ملنی و بنا به ترکیبی از این وجوه، بنا به شرایط جامعه و توازن نیروها حفظ میشود. شرایط متفاوت هر جامعه و نیز دورانیهای مختلفی که هر جامعه را در خود فرا میگیرد، اشکال متفاوتی از بروز حزب و تشکیلات غیر حزبی کارگری و رابطه این دورا نمایان و اجتناب ناپذیر میباشد. لیکن تحت هیچ شرایطی، حتی حادترین شرایط خفقتانی و ترور گسترده رژیم‌های چون جمهوری اسلامی یعنی تحت شدیدترین درجه مخفی بودن، اصل ارتباط پیشاهنگ با توده‌ها خدشه دار نمیشود بلکه شکل ارتباط و سازماندهی و درجه این ارتباط تحت تأثیر قرار میگیرد. شرایط متفاوتی را در این زمینه میتوان تصور کرد. تحت شرایط پیشروی حکومتهای فاشیستی (مثلاً اروپا) و در

کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

کمیته‌های مخفی ...

بقیه از صفحه ۷

جوایمی که حزب و سازمانهای توده‌ای بصورت علنی بفعالیت ادامه میدادند، لزوم مخفی شدن امری الزامی گردید. اما الزام در مخفی شدن مترادف با مختل شدن کار توده‌ای و فدائیان حزب از توده‌ها نبود. رهنمون کمیتن پیرامون تلفیق کار مخفی و علنی در این مورد بسیار گویا است: "در موقعی که حزب مجبور است وضعیت غیر علنی بخود بگیرد که این حالت بوسیله رابطه مشخص بین نیروهای ما و دشمن تعیین میگردد، این شیوه کار باید به نحوی رزمنده در همه گامی کار توده‌ای اعمال گردد زیرا در اینصورت حزب از توده‌ها جدا نشده بر عکس در حالت غیر علنی نیز رابطه زنده با آنان خواهد داشت، ادامه مبارزه تعیین خواهد شد."

بعبارت دیگر، حزب مخفی (پایه نیروهای پیشاهنگ) اگر نخواهد به یک "کوچک و بی‌تا" محدود مبارزه طبقاتی تنزل نماید لازم است که فشرده ترین و رواقعی ترین رابطه را با توده‌ها حفظ نماید. تحت شرایطی دیگر همانند روسیه، بعلاطفه سلطه استبداد تزاری اصولاً حزب نمیتوانست علنی (قانونی) باشد. و براین اساس ... کاتالانهای که ارتباط حزب حرب مخفی با توده‌ها را همراه نمیدادند. از همان ابتدا در نظر بیورد حزب از هسته سیاسی مخفی سوسیال دمکرات تشکیل میگردد، که باید پایگاههایی برای کار در میان توده‌ها را در

قالبی که تا حد ممکن همانند یک شبکه وسیع و پراکنده از انجمنها گوناگون علنی کارگران باشد، بوجود آورند. (النین، حزب غیر علنی و کار علنی). اما همواره شرایط سلطه استبداد بر روسیه، حتی بگونه‌ای نبود که از طریق انجمنهای گوناگون علنی کار در میان توده‌ها تدابیر باید زمانی که هرگونه اتحادیه و هر نوع محفل و انجمن، غیر قانونی و نشانه جنایت سیاسی محسوب می‌شد، تنها راه حلی که باقی میماند سازمانهای پنهانی حرفه‌ای است. سازمانهایی که بقول النین "نه فقط میتوانند فایده هنگفتی در امر توسعه و تحکیم مبارزه اقتصادی رسانند، بلکه می‌توانند دستیاران مهمی هم برای تبلیغات سیاسی و تشکیلاتی انقلابی شوند". آنچه که در کلبه این موارد و شرایط متفاوت مشترک است، مبارزه از مکانیزی است که بتواند اجرای کار توده‌ای حزب را تسهیل کند و ارتباط حزب و طبقه را تداوم بخشد. مخفی بودن یک مقوله مطلق، جامد و از پیش تعیین شده نیست. بنا به توانمندی پرولتاریا و حزب از یکسو و شدت اختناق و فشار رژیم ارسوی دیگر، درجه مخفی بودن مشخص میشود. و با توجه به این رابطه، چگونگی شکل کاتالانها، پایگاههایی که پیشاهنگ از آن طریق ارتباط خود با طبقه را فعلیت می‌بخشد، در هر مقطع مشخص، تعیین میگردد در شرایط کنونی ایران کمیته‌های کارخانه آن شکل از تشکیلات کاری است که مبارزات کارگران از طریق آن سامان می‌یابند. کمیته‌های کارخانه تحت شرایط خود ویژه کنونی، شکل کمیته‌های

مخفی اقتصاب می‌کنند و سه صورت حلقه واصل بین نیروهای پیشاهنگ و توده‌های کارگر ملگردد می‌یابد، که میتواند بصورت آن پایگاههایی برای کار در میان توده‌ها در نظر گرفته شود که همانند یک شبکه وسیع و پراکنده شاخه‌ها، امر بسیج و سازماندهی کارگران از یکسو، و از سوی دیگر ایجاد مستقیم سازمان برای ارتباط پیشاهنگ، که اساساً مخفی است، با توده‌ها را بعهده دارد یکی از ویژگیهای شرایط حاضر که عمدتاً بعد از تحولات ۳۰ خرداد ۶۰ تا تیرات شگرفی در خصوصیات سازماندهی انقلابی مبارزات کارگران نهاد است، مسئله لزوم سازماندهی تشکیلاتی مخفی بعنوان شکل عمده کنونی تشکیلاتی پرولتاریا است که بواسطه تغییر توازن نیرو و بنفج ضد انقلاب و شدت گیری سرکوب معان گسیخته و وحشیانه رژیم به امری لازم حیت حفظ و تداوم سازماندهی و رهبری مبارزات کارگران بدل شده است. در شرایطی که رژیم با حساسیت بسیار خصوصاً هرگونه مبارزات سازمان یافته کارگری را و وحشیانه بخون میکشد عدم رعایت اصول مخفی سازی و مخفی بودن کمیته‌ها علاوه بر از دست دادن عناصر پیشرو و مبارز طبقه کارگر، به سبب ضوابط ناشی از این عدم رعایت به تضعیف روحیه مبارزاتی کارگران منجر شده، در تداوم حرکات و مبارزات کارگری تا حد و دی که بوجزود عناصر پیشرو و تشکیلات مربوط است، خلل وارد می‌آورد. از اینرو بمنظور حفظ حتی المقدور هر چه بیشتر عناصر پیشرو و مبارز در کارخانه‌ها - که رهبران طبیعی

اطلاعیه کمیته خارج از کشور

پس از بررسی اسناد مذکور چگونگی امر متعاقباً به اطلاع خواهد رسید . هم میهنان مبارز! مردم سراسر جهان! خشم فرزندان خلق در امان نخواهد بود .

در شرایطی که هر روز اخبار و گزارشات دردناکی از جنایات تازه رژیم جمهوری اسلامی بگوش میرسد ، در شرایطی که پسر زنان و پسر مردان ، زنان باردار و کودکان توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران به جرحه های اعدام سپرده میشوند و انقلابیون در زیر شکنجه های قرون وسطائی رژیم بسر میبرند ، در شرایطی که کودکان و نوجوانان به بهانه رفتن به بهشت از مدرسه به جبهه های جنگ اعزام میشوند و تا کنون ده ها تن از آنان در جبهه های جنگ علیه خلیج کرد و جنگ با عراق از پای درآمده اند و اجساد تکه پاره شده آنها در صحنه های جنگ رها شده و چشمهایشان تا به ابد به سوی بهشت موعود رژیم دوخته شده است ، سکوت جهانیان نیز دردناک و ناسف آور است هم اکنون سازمان چریکهای خلق ایران بعنوان بی گبوترین مدافع راستین منافع کارگران زحمتکشان در سراسر ایران مبارزه بی امانی را علیه رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران ادامه میدهد .

برگزاری این گونه آکسیونها از طرف رفقای انقلابی هوادار سازمان در خارج کشور بعنوان بخشی از مبارزات سراسری کارگران و زحمتکشان ایران محسوب میشود و تا کنون به نحو شایسته ای نقش مردم در اندامی جبهه واقعی جمهوری اسلامی ایفاء نموده است .

هم میهنان مبارز! مردم سراسر جهان روز دوشنبه ۷ نوامبر (۱۶ آبانماه ۱۳۶۲) هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به عنوان اعتراض به کشتار ، شکنجه و تیورباران زندانیان سیاسی و سرکوب خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران ، آکسیون نهائی در کشورهای بلژیک ، فرانسه ، هند و استان انزلی ، انگلستان ، اطریش ، آمریکا ، سوئد و کانادا برگزار نمودند . در همین راه راه رفقاء ، هوادار نیز در ایتالیا روز نهم نوامبر دست به اعتصاب زدند .

در ساعت ۱۵ / ۹ دقیقه سفارت جمهوری اسلامی ایران در بلژیک به سرپرست رفقای هوادار سازمان در آمد . پس از آن دفترهای پایداری ملی ایران در فرانسه ، انگلستان ، اطریش ، هند و استان اشغال شد ، همچون در سوئد ، آمریکا ، کانادا نیز آکسیون نهائی جهت افشاگری جنایات رژیم برگزار گردید .

در بلژیک سرانجام در ساعت ۵ / ۱۷ صبح پلیس بلژیک به محل سفارت در بروکسل حمله کرد و ساعت ۱۲ ظهر تعدادی از رفقای هوادار را بازداشت نمود . طی مدتیکه سفارت رژیم در بلژیک در اختیار رفقای هوادار قرار داشت آنها ضمن برگزاری مصاحبه های پراکنده حقایق رژیم ، موفق شدند اسنادی را نیز از سفارت خارج کنند . اسناد مدارک و قرار داد های بدست آمده از سفارت ، آنان از بستگی همه جانبه رژیم به جمهوری اسلامی به امیر "لیتیا" میباید در این باره

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری بسازید

کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۳۰۰۰	ش ۵۵۵
۵۰۰۰	رفیق هادی
۵۰۰۰	۳ - ۲۲
۵۰۰۰	پ ۱۴۰
۱۰۰۰۰	۳۴۹
۲۰۰۰۰	گروه سعود
۱۰۰۰۰	رفیق نظام
۵۰۰۰	رفیق بابک
۵۰۰۰	د - ۱۰
۵۰۰۰	ن ۳۲
۲۷۰۰۰	گروه سعود
۵۰۰۰	۱۳۱۵
۱۰۰۰۰	رفیق اصغر
۵۰۰۰	ن ۳۲
۴۰۰۰۰	فرزاد

ذبح آزادی

بقیه از صفحه ۲

زنان ایران که نقش بسیاری در - انقلاب اینا نمودند حتی حقوق بورژوازی گذشته خوررانساز دست داده اند . لایحه قصاص علاوه بر اینها ناقص العقل بحکم میاورد ، اساساً استرادف باکرد قرار داده اند . حقوق تضاروت از زن ایرانی طلب شده و آنچه ایهای و سیمی در سطوح ادارات در مورد زنان صورت گرفته است و حذف رژیم از این اقدامات نیز خارج کردن زن از صحنه فعالیتهای اجتماعی میباشد . . .

حقوق اجتماعی که در جوامع بورژوازی بصورت یک سنت در آمده است نظیر حق طلاق و . . . بکلی ملغی گشته است موضوع حجاب اجباری ، ضرب و شتم زنان در حالیکه چند تار مویشان پیدا باشد و یا جوراب نازک بپوشند و . . . زنان را بشدت تحت فشار قرار میدهند در سطوح کارخانجات و ادارات نیز این فشارها بشدت اعمال میشود علاوه بر آن امکانات رفاهی برای زنانی که فرزند عمرد سالی دارند بکلی از بین رفته است مهد کودکها از محیطهای کار برچیده شده و این اعمال تنها جهت حذف زنان از تولید اجتماعی صورت میگردد و این پدیده نیز جدا از دیگر تفکرات ارتجاعی و عقب مانده رژیم نمیتواند باشد .

فشار بر اقلیتهای مذهبی فاجعه انگیز است . مدارس متعلق به اقلیتهای مذهبی امروز بسمه بیانه های گرنا گرن تعطیل میشود . یک روز مراسم مذهبی اسلامی به آنها تحمیل میگردد و

روز دیگر کتف مذهبی آنها تنمابه زبان فاسی اجازه تدریس میباشد . اینگونه تضییقات تا بد آنجا پیش رفته که طلی میرماه گذشته در سطح مدارس اراسته اعتصاب صورت گرفت که بهر حال رژیم با وا دار به عقب نشینی شد . مسئله ستم دو گانه بر خلفای ایران بسیار آشکاره ابعاد آن چنان گسترده است که از همان فرد ای تمام به یک مبارزه آشکار سلحسانه با رژیم منحرف گردید و همه اینک نیز جنگ سلحسانه خلق کرد با مزد و نژا رژیم همچنان ادامه دارد .

اقدامات سرکوب که در گشتهای رنگارنگ حضور بی وقفه خود را بنمایش میگذارند بدلیل تضادهای رژیم بطور متکرر عمل نمیکند مثلاً گشتهای کمیته و شهرستانی که تحت کنترل وزارت کشور قرار دارند یا ساپاما همکاری کرده ، دستگیر شدگان را به مرکز زندان ساپاما که همان کمیته مشترک شهرستانی سابق است میبرند زندانی در آنجا شکنجه و بار جوشی شده و در همانجا توسط حکام باصطلاح شرع محاکمه و برای اعدام یا بازداشت دائم به زندانهای دیگر فرستاده میشود . سپاه نیز مرکز اصلی ساواک سابق واقع در سلطنت آباد را به مرکز بساز داشته است . بوقت که در تدبیر کرده و گشتهای خیابانی موسوم به ثارانه بازداشت شدگان ، ابتدا به آنجا و سپس از آنجا به قسمتی از اوین که متعلق به سپاه است برده میشود . گشتهای دادستانی نیز قسمتی از اوین را تحت کنترل دارند که لاجوردی جلاد بر آن حکمرانی دارد . در اوین تکلیف این زندانیان روشن میشود و جلادان اوین پس از

اعمال و حیثانه ترین شکنجهها با انقلابیه ن را به حوخته اعدام میسارند و با زندانیهای لطیف المدت که در اینصورت به زندانیای دائم فرستاده میشوند تا کنون در کلیه شیرها و بوچه در تهران زندانیهای جدید ساخته شده همه اکنون علاوه بر زندان گوهردشت کج که توسط ساه اک سابق شروع شده و نا تمام مانده بود توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی افتتاح شد ، یک زندان جدید بنام مجتمع کجوشی ساخته شده است . سیمات بسیار گسترده در دست ساختمان است . آمار تقریبی دستگیر شدگان و لمبد امها که به صد هزار میرسد بیانگر گسترش روز افزون مبارزات و مقاومت حماسی فرزندان انقلابی خلق زه متکشی ایران است . مقامتهای حماسی این دلاوران در زندانها بیرون و سطانی رژیم جمهوری اسلامی ، طریقه شکنجه های دادمنشانه مزد و زان آنقدر وسیع است که شکنجه گران را کلافه و منحرف کرده است . آنان بدلیل عدم همکاری انقلابیون در بند طریقه فاشیستی ترین سرکه بها ، قسا در نگشته اند فعالیت سازمانهای انقلابی را کاملاً متوقف سازند و هر از چند گاهی با یک دستگیری وسیع نظیر حرکت ۲۴ آبان خود سعی میکنند تعدادی مبارز را در میان خیل دستگیر شدگان به بطور اتفاقی در خیابانها شکار کنند و در کنار نفی همه آزاد بیه حتی در لبتدائی ترین موارد آن آزادی جنایات و فحشا پیدا میکنند و این بپرکت وجود قشر وسیع لومین پرولتاریاست که لشکر معظم حامیان رژیم را تشکیل میدهند و آزادی عمل کامل دارند .

ذبح آزادی

بقیه از صفحه ۱۰

حالا که بنظر مرازگر طینی فحشا ساد و فحشا، همچنان در و شگامای، عرضه کننده مشرکات الکی بر چیده شده است، این که نه اعمال در کلیه سده ج جامعه گسترش چشمگیری یافته است تنها غنا و ثروت از باگذشته به شدت اسلامی است. آزادی فحشا اینک در لفافه صیغه جویان یافته و با کسب ندم زنان منصفه مطرود جامعه که محصور، نظام سرمایه داری اند، نیک با تنهیر مکان در خدمت یاسدان، سرمایه، با حضور یک آخوند جیت صیغه خوانی حل و فصل شده است. و بخشی از آنان نیز در زندانها و پراکتهای ایشاد بخد مت گرفته شده اند.

در مورد مشروبات الکی دیگر برای همگان روشن است که تهیه آن از طریق کمیته ها و با قیمت های چند برابر بر ااحتی میسر است. اما در بدی و جنایت که بکن اوظاهر فقر اجتماعی است را میتوان به ده سالها بر نسبت به سالهای گذشته تخمین زد که البته در موارد بسیاری دزدان دستگیر شدند. توسط شهربانی پاسدار از آب در آمده اند. عامل جنایت گوهر دشت که دختری ۱۳ ساله مرده تجاوز قرار گرفته شده و سپس بقتل رسیده بود پاسداری بنام شاکری از آب درآمد که البته رژیم بشدت اینموارد را مخفی میسازد رشوه خواری و اختلاس در ریافت کیسیون از شاکتهای خارجی توسط مقامات بالای رژیم به امری عادی تبدیل شده است و ارز های در یافتی مستقیماً بحساب بانکی

سردمداران رژیم در خارج بارهیز میشدند. بطوریکه کلیه شرکت های خارجی اولین قدم در صدور کالای خود در ایراد اکت کمسیون به یکی از مقامات عالیتر به رژیم میدادند و کار بدانجا رسیده که حتی کالاهای غیر ضروری نیز از این طریق وارد ایران میشدند بی حیت نیست که تنها واردات از بندر عباس طبق پیش بینی دولت در ۶ ماهه اول سال ۶۲ برابر با ۲۲۵۰۰۰ تن بوده که طی این مدت ۷۲۵۰۰۰ تن کالا وارد شده است و این در حالی است که ما بحتاج اولیه توده ها با کمبود شدید مواجه است. گسترش توزیع و مصرف مواد مخدر که ناشی از فشارهای روحی و بیماری و فقر اجتماعی است نه تنها کاهش نیافته بلکه توسط همین عوامل رژیم در کمیته ها توزیع میشدند فساد اداری و چپاول و غارت توده های تحت ستم باشکال مختلف چه از طریق رشوه خواری و چه از طریق باندهای بازی و احتکار و ... بر فقر و سیه روزی توده ها بشدت افزوده است. هیچگونه امنیت شغلی وجود ندارد. کارگران و کارمندان هر لحظه در معرض اخراج، باز خرید و یا دستگیری قرار دارند چرا که اساساً قانونی بر جامعه حاکم نیست حتی همان قانون اساسی کذائی رژیم نیز به اجرا در نیامد. اما تمامی این فشارها و تضیقات، افزایش روز افزون مزدوران مسلح و سرکوب بی وقفه جنبش همه و همه یکی از مهمترین عواملی بوده که بقای کنونی رژیم جمهوری اسلامی را تضمین کرده است و این نیز به برکت فوّه ش نفست و

تا به من مخارج خیل مزدوران از یکسو و حمایت های بی دریغ امپریالیستها از رژیم که مهمترین خواست امپریالیسم را یعنی سرکوب جنبش را به پیش میبرد صورت گرفته است. ابعاد ناراضی عمومی و ابراز طینی آن از سوی توده های مردم حتی در مقایسه با مقطع سرنگونی رژیم شاه نیز بی سابقه و بیسابقه گشته است. سایه رعب و وحشتی که پس از وقایع خونین ۳۰ خرداد ۶۰ برای مدتی توده ها را به سکوت و عقب نشینی وا میداشت، بصورت چشمگیری در هم شکسته و ابراز طینی مخالفت و در بعضی اقسام مبارزه منفی بصورت طرح جوکهای مر بوط به سران رژیم خود را نشان میدهد. مردم باشکال مختلف و بمناسبت های گوناگون خشم و نفرت خود را از رژیم بنمایش میگذارند در صف های متعدد مربوط به ارزاق عمومی و یا اتوبوسها و ... بر ااحتی میتوان صحنه های فوق را مشاهده کرد اما مزدوران و جاسوسان رژیم دیگر قادر نیستند هر آنکس را که مخالف رژیم است دستگیر کنند چرا که مخالفتها عمومیت یافته است اکنون رژیم و حشش از سازمانیابی ناراضی هاست و از همین رو و بیشترین نیرویش را صرف مخارج هنگفت در جهت سازماندهی سرکوب سازمانهای انقلابی و تشکیلات مخفی متمرکز کرده است. این همه سرکوب، این همه دستگیری و شکنجه و اعدام و ... از آنروست که منافع مشتی غارتگر و چپاولگر، مشتی تجار بازار و استثمارگر تا به بین و تضمین شود.

یادداشت‌های سیاسی

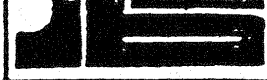
جناب رقیب گفت: "بنده خدمت امام شرفیاب شدم. عرض کردم حضرت امام در تهران زمین خادرا اطراف تهران میگیرند و میسازند. در اطراف تهران بی حساب و کتاب نیروهای ما گنبد میشوند. گاهی به زود خورد و تخریب نجر میشود، اینها را چه کار کنیم؟ نمیشود تهران بی حساب و کتاب اضافه شود. چه کنیم. فرمودند که نگذارید بسازند. من این جمله را گفتم حضرت امام اگر بسازند فردا آب، برق، امکانات، اسفالت و ماشین میخرایند و میشود یک شهری را اینطوری اداره کرد. فرمودند که نگذارند. گفتیم در پنجشنبه و جمعه یکدفعه میبینیم خانه ساخته شد. حضرت امام فرمودند که نیرو و شیفیت نگذارید که شبانه روزی در آنجا بایستند و گاهی بدون فوند آشیون می سازند و گفتند اگر نشد خراب کنید. (تأکید از ما است - کیهان ۱۸/۸/۶۲) آری خمینی این فریبکار دروغگوی بزرگ اگر چه در حرف از "توده‌ها"، از "کوخ- نشینان"، از "مستضعفین" و... بسیار دم میزند اما وقتی پای عمل بیان می آید طبع "توده‌ها" بر می خیزند، طاعانه دستور میدهد "نگذارید بسازند" و "نیرو و شیفیت نگذارید تا شبانه روزی در آنجا بایستند" و با سلاحهای آتشین خود قلب کارگران و زحمتکشان را نشانه روند.

اینست ماهیت رژیمي :
 - که علنا و آشکارا از پورا استادها که میلیون، میلیون از تجارت آهن پول بجهت میزند از "کریمی نوری" ها که بنگاهی چون بناد-اه-ور جنگزندگان را میچاپند و ازدها سرمایه دارو تا جری که اموال بیت المال را غارت میکنند حمایت میکنند

اما بر سر کارگران و زحمتکشان که از زور فقر و فلاکت و بی پناهی سرپناهی برای خود درست کرده اند، سرپناهاشان را خراب می کنند و اعتراضات آنان را سرکوب مینمایند
 - که میلیونها تومان پول از جیب کارگران و زحمتکشان میدزدند و صرف خرید جیب های "تویوتا"، "نيسان" و... می نماید تا بوسیله آن با سرکوب انقلاب، منافع سرمایه داران را حفظ کنند اما از خریدن و یا تهیه چند اتوبوس برای تردد تردها از نبود بودجه و امکانات اظهار عجز می نمایند.
 - که میلیونها تومان صرف خرید ماشین های ضد گلوله برای امامان جنایتکار جمعه، نمایندگان ارتجایی و وزرا، و... می نمایند، اما از اینکه توده های بی پناه خواهان آب، برق و... میشوند فغانشان به هوا بلند میشود.

- که تمامی کاخها، قصرها، منازل، مجلل سلطنتی و... را عمال حکومتی اشغال کرده اند و در ناز و نعمت بسر میبرند و هیچ مشکلی ایجاد نمیشد، اما از اینکه توده ها با بدلیل فقر، نبود مسکن و آوارگی، برای خود ماوائی بسازند، بخود می پیچند "نیرو و شیفیت" میگذارند تا شبانه روزی آنجا بایستند و با زور و سرنیزه از این را عمل توده ها جلوگیری بعمل آورند را به سیاهچالها، یا جوخه های - که با عزازان وعده و وعید و خواهش اعدام بسپارید و تنها سرمایه داران را بکار دعوت میکنند، امکانات، را اختیار آنها را بزیور یوغ خویش بکشند، یا می گذارند و حتی اجازه عیش و عشرت سازماندهی و گسیل چماق، اران و فساد و کثافتکاری به آنها میدهند

(فرمان ۸ ماده ای) اما از دادن آب و برق به توده ها سر باز - میزنند، از ساختن خانه توسط آنان جلوگیری میکنند و در نهایت این دستور را اجرا میکنند: "اگر نشد خراب کنید".
 اگر "نشد خراب کنید" عصاره، بیشتر و دیدگاه تمامی رژیمهای ضد انقلابی و ضد بشری است.
 امپریالیسم رژیمهای وابسته پان، هر جا که منافعشان در خطر افتد و یا مصالحشان اقتضا نماید حتی حاضرند جهان را به نابودی بکشند. مسئله تسلیحات اتمی بپا کردن جنگهای ارتجایی و... از جفته این اعمال است. رژیم جمهوری اسلامی اما بدلیل ماهیت طبقاتی (سرمایه تجاری عقب مانده و روبنای مذهبی اش، این تخریب و انهدام را در سطحی بسیار گسترده، همه جانبه تر اعلام می نماید تا جایی که حتی حاضر به تحمل یکسری از رفرمها و آزادبهای بورژواقی نیز نیست. ما تصور این دیدگاه را از ابتدای روی کار آمدن رژیم تا کنون در تمامی عملکردهایش می بینیم.
 - اگر "نشد" از اتحاد توده ها بنفع خود استفاده کنید و انقلاب را در نطفه خفه کنید، این اتحاد را با فریب و ریا "خراب کنید". بین توده ها تفرقه بیاندازید.
 - اگر "نشد" ارتش را که از درون در حال از هم پاشی است، بسرمهت حفظ کنید، اتحاد پرسنل انقلابی بایستند و با زور و سرنیزه از این را عمل توده ها جلوگیری بعمل آورند را به سیاهچالها، یا جوخه های - که با عزازان وعده و وعید و خواهش اعدام بسپارید و تنها سرمایه داران را بکار دعوت میکنند، امکانات، را اختیار آنها را بزیور یوغ خویش بکشند، یا می گذارند و حتی اجازه عیش و عشرت سازماندهی و گسیل چماق، اران و فساد و کثافتکاری به آنها میدهند



شوراها و ...

بقیه از صفحه ۴

شمرده، مگر تبدیل سازمانهای طبقه تحت‌ستم خود را به سازمانهای دولتی. (۶)

رهبران اس-ارها و منشویکها، با عدم اعتقاد به توده‌ها و همراهی از استقلال عمل و ابتکار آنان شوراها را بمثابه ارگانهای مشورتی در خدمت بورژوازی قرار میدادند. حتی اگر برای چند

لحظه‌ای حسن نیت! اینان را در مورد نقش شوراها بمثابه سازمانها پیکار جو و سازمانهایی که از پائین و با در ائتلاف با دولت بورژوازی با اصطلاح منافع زحمتکشان

را پاس میدارد، مفروض بداریم باز عملاً جز خیانت با حسن نیت به انقلاب چیزی از آن عاید نمی‌شود. شوراها تشکیلاتی هستند که در يك دولت معمولی

بورژوازی نمی‌توانند زیست نمایند این ارگانها نمی‌توانند به‌مدت زیادی در کنار دولت بورژوازی به بقا خود ادامه دهند. شوراها در دوران انقلابی تشکیلات گذاری

هستند که براه و فقط در راه بیشتر برای آنان گسترده نیست. یا تمامی قدرت به شوراها منتقل میشود و یا اینکه شوراها بوسیله

ضد انقلاب بر هم کوبیده میشود و یا بوضع رقت باری به مرگ

تدریجی در اثر بی‌عملی و متابعت از بورژوازی، به خواب میروند که نتیجه یکی است، یعنی در هم شکسته شدن ارگانهای اقتدار.

توده‌ای و استحکام قدرت بورژوازی. شوراها نه میتوانند عقب نشینی کنند و نه میتوانند ایستاباغند. تنها بوسیله بشروی است که شوراها

می‌توانند به حیات خود ادامه دهند. قدرت دوگانه با بایستاد نیست یا به طرف جمهوری پارلمانی

بورژوازی از نوع معمول (در بهترین حالت) با اختلال شوراها و با بستن انتزاع همه قدرت بدست

شورا. در هنگام انقلاب در جا زدن امکان ناپذیر است.

۳

برای سران اس-ارها و منشویکها اما در جا زدن نقطه قوتشان بود. چرا که آنها بر وضع موجود تکیه داشتند و بهم خوردن تعادل

وضع موجود در اثر بشروی انقلاب آنها را از نقطه قوت خود جدا می‌کرد. این نقطه قوت، در توهماً

مشروطه خواهی، در دفاع‌اللبسی انقلابی توده‌ها، در جهل و در باور توده‌ها نسبت به بورژوازی متجلی میشد. وضع موجود و شرایط

روسیه، آن ما وائی بود که پورتونیسیم میتوانست با خیال راحت در آن

سکنی گزینند و تسلیم طلبی و دعوت به سازش طبقاتی را توجیه نشوریک کند. بدون فائق آمدن بر این

تزلزلات و خیانتها و بدون فائق آمدن بر تزلزلات عناصر

پیشاهنگ که تسلیم جو موجود میشود و از اینرو بدون پالایش گردان پیشاهنگ از نظریات انحرافی

که بتوانند رهبری انقلاب را بعهده بگیرد، پیروزی انقلاب اکتبر نمی‌توانست مسجل باشد.

با بنگاه توده‌ای منشویکها و بویژه اس-ارها بر چه استوار بود؟ بگنارید ویژگی‌هایی که سازش

طبقاتی اپورتونیستها را توجیه میکرد از زبان لنین باز گو کنیم و وضعیت جامعه از این قرار بود:

موج عظیم خرده بورژوازی همه چیز را در خود غرق کرده و نه تنها با کثرت عده خود بلکه از لحاظ ایدئولوژی نیز پرولتاریای

آگاه را فرو کوفته بود. نظریات خرده بورژوازی در رشته سیاست به محافل بسیار وسیعی از کارگران سرایت کرده بود. کارگرانی که بعلت کافینبودن تعداد و نیز غیر متشکل، ضعیف و فاقد آگاهی طبقاتی بودند در معرض

بقیه در صفحه ۱۵

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

شوراها و ...

بقیه از صفحه ۱۷
تهاجم و پنیرش آید های خرده -
بورژوازی و بورژوازی قرار
داشتند . اعتماد غیر آگاهانه
نسبت به سرمایه داران صفت
مشخصه سیاست توده های روسیه
بود . دفاع طلبی انقلابی را
میشود بزرگترین و روشنترین
تجلی آن موج خرده بورژوازی
دانست که تقریباً همه چیز را در
خود غرق کرده بود و بنا بر این
دلائل و دلائل دیگر بلشویکها
در شوراها در اقلیت ضعیفی قرار
داشتند .

از این مفروضات چه نتیجه میشود؟
برای اس - ارها و منشویکها همه
زمینهای خیانت آماده است .
مردم روس هنوز برای معمول
داشتن کمون آماده نیستند ، یعنی
شوراهای نمایندگان کارگران ،
د حقان و سربازان نمی توانند
قدرت سیاسی را بدست بگیرند .
شوراها را در خدمت دولت
موقت قرار میدهند و وقتی
مبارزات طبقاتی دولت موقت
را مستأصل میکند ، بورژوازی
بر اساس هم سیاسی خود و در سبائی
که از انقلاب گرفته است این
" سود جویان فراری از سوسیالیسم "

را به کابینه انتلافی فرا
میخواند و در حقیقت ، اینان
شوراها و خود را بصورت پادوی
بورژوازی در آورند . اس - ارها
و منشویکها بر اساس ماهیت
طبقاتی و حرکت از " وضع موجود "
با شماطه گری بورژوازی و تحقیق
تودهها بیشترین لطامات را به
انقلاب وارد آوردند . و توجیه
همان بود ، یعنی وضعیت عینی و
ذهنی طبقات ، اینکه تودهها آماده
نیستند ، اینکه باید نهضیات
توده ها را در نظر گرفت و در
حقیقت یعنی تسلیم نهضیات تودهها
شد که بطور سنتی و بدون مقابله
با آن نهضیتی است که از ایندولژی
بورژوازی و خرده بورژوازی انباشته
شده است .
اما برای بلشویکها برهبری
لنین این زمینهها و مفروضات
آغاز گاه حرکت بود و نه کردش
به آن و پذیرش و تثبیت آن .
تشدید مبارزه طبقاتی در راستای
انتقال همه قدرت بدست شوراها
و از آن طریق بر قراری دیکتاتور
پرولتاریا خط سرخی است که
تاکتیکهای بلشویکها را در مقابله
با " وضع موجود " مشخص میسازد .
موج عظیم خرده بورژوازی همه
چیز را در خود غرق کرده است .

پس باید پیکار بر علیه رهبران
خرده بورژوازی را که به کمپ
بورژوازی پناهنده شده اند ، ده
برابر کرد . فقط با جدا کردن حزب
پرولتاریا ، از طریق مبارزه
طبقاتی پرولتری میتوان فارغ
از هشت خرده بورژوازی از بسط
دامنه انقلاب و فارغ از تزلزلات
و اوها ماتش نسبت به بورژوازی
بر این موج عظیم فائق شد .
" تا زمانیکه زحمتکشان بطور
کامل از احزاب اس - اری و
منشویکی نبریده و نقش خائنانه
را بوضوح ترک نکرده اند ، تا
وقتیکه زحمتکشان هر گونه سازشی
را با بورژوازی رد نکرده و
فاطمانه بکارگران انقلابی
نپیوستند ، رها نیشان از چنگال
آهنین جنگ و گرسنگی و سردگی
سرمایه داران و مالکان امکان
پذیر نیست . " (۷)
دفاع انقلابی " تقریباً همه
چیز " را در خود غرق کرده است
پس باید کار ترویجی را در این
پاره تشدید کرد . گذشت نسبت
به دفاع طلبی انقلابی خیانت
به انقلاب و سوسیالیسم است .
توده ها به دیوانگی دفاع
طلبی انقلابی تسلیم شده اند ، اما
پیشاهنگ نمی تواند بصرف اینکه
بقیه در صفحه ۲۴

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



بتیبه از صحنه آسایش تمام دیکتاتورهای ارتجاعی جهانی هدفی جز منهدم کردن و خرابی است از جامعه سرمایه داری و سازماندهی هر چه بهتر استعمار دارند. مقلد مارکس اساساً دولت چیزی نیست جز ارگان سرکوب طبقه ای بر علیه طبقه دیگر. هنگامیکه دولت نمایندگی طبقات استثمارگر سرمایه داران زمین داران و... باشد، کلیه قوانین و مقررات بهم آن بنفع طبقات حاکم وضع شده، عینت میبایستد و ارگانهای سرکوب نیز در جهت حفظ و حراست از منافع آنان بخدمت گرفته شده اند. هر چه ایستاد جنبش گسترده تر باشد طبقات حاکم در آن بیشتر برای سرکوب آن میگیرند.

دیکتاتورهاها ممکنست در اشکال مختلف خود نمائی کنند اما بهر حال دیکتاتوری سرمایه محسوب می شوند. در حالی که در کشورهای آمریکای لاتین دیکتاتوری بشکل آمریکایی و رسمی نظامی است، در کشورهای امپریالیستی بصره و دیکراسی های بورژوازی و کشورهای دیکتاتوری غیر رسمی، در آنجا نماینده انحصارات امپریالیستی و در این جا نماینده سرمایه عقب مانده با شکل خاص روبزای مذهبی.

است که دموکراسی های بورژوازی، بهر حال از نظامات قرون وسطائی و حکومتیهای مذهبی بلحاظ تاریخی بسیار بیشتر فته تر است اما آزاد بهای بورژوازی نیز که دموکراسی سر و دم بریده است، بیخ نیست در اینگونه کشورها توده ها هر چند از یک نظر حقوق فردی و اجتماعی برخوردارند اما دانه آن تا بدانجا پیش میرود که مانعی بر

سر استثمار توده ها پدید نیاید و این نیز به برکت استثمارکشورهای تحت سلطه توسط کشورهای امپریالیستی است که موجب رفاه نسبی کارگران در اینگونه کشورها میگردد و همچنین بدلیل رشد تکنولوژی و افزایش شدت استثمار بدون مشخص شدن آن برای کارگران است در این میان وجود احزاب رفرمیستی و عدم حضور احزاب کمونیست واقعی در کشورهای امپریالیستی، توده ها زحمتکش براحتمی فریب سرمایه داران و استثمارگران را خورده و حد اکثر به یک مبارزه صنفی روی میآورند و ارگانهای توده ای صنفی نظیر سندیکاها و اتحادیه ها نیز به دلیل نفوذ عمال بورژوازی، بسیار سازشکارانه برخورد میکنند در عین حال همین ارگانهای صنفی در کشورهای آمریکای لاتین، نظیر شیلی، بولیوی، السالوادور، اروگوئه، آرژانتین و... بصره رت یک نهاد سنتی در آمده و بدلیل شدت استثمار و با بزبان روشنتر استثمار د و گانه و شدت یافتن مبارزه طبقاتی، توانسته اند بصورت یک نهاد انقلابی عملکرد یابند.

اما در کشورهای عقب مانده آسیا و بویژه در ایران حتی همین شکل صنفی یعنی اتحادیه و سندیکانیز وجود ندارد تا بهناهی حداقل شکل علفی سازماندهی اولیه توده ای را پدید آورده نه تنها اینگونه تشکیلات وجود ندارد بلکه هیچگونه حقوق فردی و اجتماعی برای توده ها وجود ندارد در جامعه امروز ایران تنها استثمار و چپاول و غارت و سرکسوب و کشتار برای حکومتگران آزاد است بهمین دلیل و همچنین از آنجا

که مسئله اساسی در شرایط کنونی سازمانهای مبارزات توده ها میباشد و از آنجا که امکان هیچ گونه شکل علفی و مبارزه علفی وجود ندارد ایجاد تشکیلاتی کاملاً مخفی نظیر کمیته های مخفی اعتصاب در کارخانجات و کمیته های مخفی مقاومت در محلات و... یک ضرورت عینی و حیاتی محسوب میشود.

اما در عین حال هر چه شدت دیکتاتوری بیشتر و خشن تر باشد بهمان نسبت اشکال مبارزاتی توده ها در هنگام بروز بیک موقعیت انقلابی جبهه توده و بصورت رشد یابنده تر و فراوان تر روینده تر است. کینه انباشته شده و خشم انقلابی توده ها که در سایه سر نیزه چکمه پویشان و اوپاشان رژیم فرو کوفته شده است در چنین شرایطی آنچنان توفنده و آهنگ یابنده خواهد بود که اینبار حتی سردمداران رژیم و سرکوبگران دست اول نیز قادر نخواهند بود که چون رژیم گذشته از مهلکه بگریزند. چرا که توده ها تجربه های اندوخته اند و این تحارب را بکار خواهند بست اینها را روحانیون تراز اول رژیم نیز شنیده اند که عمامه هایشان به طناب دار بدل خواهد شد. این امر شدت آنان را متوجه ساخت است آنها نه تنها برای خود هوابهاهایی اختصاصی، پروازهای اضطراری در نظر گرفته اند بلکه باحرص و ولعی صرف ناپذیر اند و خسته های ارزی در بانکهای خارجی انباشته اند اما تمامی این تمهیدات خیالات پوچی بهش نیست و بقیه در صفحه ۲۰

ذبح آزادی ...

بقیه از صفحه ۱۹

برای توده ها تجربه را آزمودن خطاست .
اما همان این نکته نیز ضروریست که بدلیل وضعیت موجود که کوچکترین آزادی فردی بزرگترین چکمه دژخیمان رژیم لگد مال میشود . سلطنت طلبان مغلوب و لیبرالها فرارگی نیز امروز بوجرم آزاد بخوابی بر افراشته اند و خود را در انتظار توده ها طرفدار آزادی جا میزنند و بخشی از توده ها را بویژه اقشار مرفه خرده به روزی جدیست نیز فریب این فریبکاران را می خورند . وظیفه نیروهای انقلابیست که بوده تزه بر وریا از چهره آنان برگردند و ماهیت واقعی آنان را و فریاد های درخ آزادی خواهی شان را بسرای توده ها افشا کنند . باید همه توده ها گفته شود که دموکراسی های بورژوازی حتی در پیشرفته ترین نوع آن یعنی دموکراسی های غربی چیزی نیست جز آزادی سرمایه داران در استثمار توده ها . باید برای توده ها توضیح داد شود که حده آزادی از سوی سلطنت طلبان و امپریالها یعنی همان دیکتاتوری شاه ، تنها حکومت کارگران و دیگر زحمتکشان است که دموکراسی واقعی را تحقق می بخشد و حقوق فردی و اجتماعی تمامی اقشار خلقی را نوید میدهد .

قطعنامه آکسیونهای سراسری

جان بین از ۲۰ هزار تن از مردم کردستان تمام شده است . رژیم جمهوری اسلامی در مقابل اعتراض افکار عمومی جهان وارگانها و نهاد های بین المللی کاملاً بی تفاوت است بویژه آنکه کشورهای نظیر آمریکا ، ژاپن ، انگلستان ، ایتالیا و ... با حمایت اقتصادی و سیاسی و نظامی از این رژیم ، انصرا در جهت سرکوب مردم ایران و ادامه جنایاتش تقویت میکنند . به همین دلیل ما خواهان :

- ۱- صدور قطعنامه ای در محکومیت اعمال و جنایات رژیم از سوی اجلاس سالانه سازمان ملل
 - ۲- اجازه باز دید از زندانهای سیاسی ایران بوسیله ملیت سرخ ، جنوبی ، انگلیسی ، دیگر سازمانهای بین المللی دفاع از حقوق بشر
 - ۳- اجازه باز دید ملیت سرخ از مناطق جنگ زده در کردستان و کمک به آوارگان و زخمی های جنگ در این منطقه و قطع ارسال مخفیانه سلاحهای نظامی به ایران هستیم .
- ما هواداران سازمان جریکهای فدائیان خلق ایران آکسیونتهنای خود را برای رسیدن به خواسته های فوق در اشکال مختلف علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ادامه خواهیم داد و از تمام نیروها و افراد مترقی و دمکرات جهان تقاضای حمایت از این خواسته ها را مینمائیم .
هرا داران سازمان جریکهای فدائیان خلق ایران (۱۶ / ۸ / ۶۲)
۷ نوامبر ۱۹۸۲

ما هواداران سازمان جریکهای فدائیان خلق ایران در خارج از کشور روز دو شنبه ۷ نوامبر را روز اعتراض به کشتارها ، اعدامها ، شکنجه زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران اعلام میداریم در این رابطه در این روز آکسیونها ، اعتراضی را در کشورهای آمریکا ، انگلستان ، آلمان ، ایتالیا ، اطریش ، بلژیک ، سوئد ، کانادا ، فرانسه و هند برگزار میکنیم .

مردم مترقی و دمکرات جهان!

رژیم جمهوری اسلامی ایران که با اعتراضات و ناراضیتهای میلیونها تن از طبقات و اقشار جامعه ، کارگران ، زحمتکشان ، خلفها ، زنان روشنفکران مواجه است ، برای حفظ پایه های لرزانش تنها به سرکوب مردم و ادامه جنگ با باوق منگی است این رژیم نه تنها هیچ یک از مشکلات اقتصادی - اجتماعی مردم ایران را حل نموده است بلکه بر فقر ، بیکاری و بیسکونی و ناامنی اجتماعی افزوده است . هر روز سرلیست اعداها افزوده میگردد و تا کنون بیشتر از ۲۰ هزار تن از انقلابیون و مردم عادی اعدام شده اند . زندانیان سیاسی زیر شدیدترین شکنجهها قرار دارند و خون آنها قبل از اعدام گرفته میشود . تداوم جنگ با عراق هر روز جوانان و اطفال بینماری را به گام مرگ میکشاند . جنگ علیه خلقی کرد نیز تا کنون به بهای

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

یادداشتهای سیاسی

بقیه از صفحه ۱۲

ان، مراکز روزنامه ها را بر روزنامه نگاران انقلابی و مترقی آب کنید" و آنها را دستگیر، بازداشت، زندان و اعدام کنید. و اگر "نشد" خلقهای قهرمان کرد، ترکن، عرب و... را به بند بکشید و مطیع بسازید، با توپ و تانک، با بمباران و انفجار، شهرها، روستاها و مراکز انقلابیون را بر آنان "خراب کنید"، رهبران آنها را بقتل بیاورید. فجایع ۳ خرداد خرمشهر "قارنا"، قهلاتان "گند" و... را بوجود آورید و... شوراها و ارگانهای تشکل توده ها را نابود کنید.

به خاک و خون بکشید. - اگر "نشد" از تشکل شوراهای کارخانه ها جلوگیری کنید و اگر "نشد" از حرکت انقلابی کارگران در جهت کنترل کارخانه ها جلوگیری نمائید، کارخانه ها را بر سر کارگران "خراب کنید" آنها را تعطیل نمائید و کارگران را اخراج، دستگیر، زندان و یا بقتل برسانید.

- اگر "نشد" که دانشگاهها را از تداوم بخشیدن به انقلاب و آگاه کردن کارگران و زحمتکشان بازداریدن آنها را بر سر استادان و دانشجوها "خراب کنید" و استادان و دانشجوهای انقلابی و مترقی را به خاک و خون

- اگر "نشد" سازمانهای انقلابی را بجزیر برنامه خود بکشید و آنها را "نه نمائید، با حمله به دفاتر و مراکز سازمانها، آنها را "خراب کنید" و اعضا و هواداران آنها را

بکشید. - اگر "نشد" کارگران و زحمتکشان و انقلابیون را از حرکت بسوی آنها بهتر بازدارید با تحمیل جنگ، ارتجاعی و خانمان سوز و تداوم آن، رشد، آگاهی و سازمانیاتی آنها را "خراب کنید" تمامی بین توده ها و انقلابیون را از هم بپاشید و با تحمیل شدیدترین و فاشیستی ترین شیوه های سرکوب انقلاب را از تداوم خویش بازدارید. - اگر "نشد" "خراب کنید" آری این تفکر و دیدگاه رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی است، اما دور نیست روزی که کارگران و زحمتکشان با توفانی از خشم و کینه طبقاتی با اتحادی پی لادین، تمامی کاخهای ستم و استثمار را بر سر استثمارگران و ستمگران "خراب کنند" و نام و نشان رژیم جمهوری اسلامی را از صفحه تاریخ بزدابند.

بقیه از صفحه ۲۲

همینجاست که اگر من مسئول را عوض کنم و مسئول دیگر هم اینجا بیاید همین آشوب و همین کاسه است. آری این سیستم است، این نظام است که جیاولگر میرواند. سیستم باید نابود شود و گرنه جایجائی مبره ها هیچ دردی را دوانیکند. تا این سیستم یا بر جاست دزدی و جیاول و غارت از یکطرف و فقر و فلاکت توده ها از طرف دیگر. کماکان برقرار است. سیستم را باید به نابودی کشید. این تنها راه است.

توطئه مشترک انگلیس و ایران

بقیه از صفحه ۲۶

هوا دار سازمان که در اعتراض به کشتارها، شکنجه ها، اعدامها، دستگیریها و جنایات رژیم صورت گرفت تعدادی از دانشجویان هوا دار سازمان در کشورهای مختلف دستگیر شدند که باتلاش دیگر رفقا آزاد گردیدند اما دولت انگلیس بدلیل روابط پیش از حد حسنه و به پشتوانه غارتهای بی حد و حصر خود از ملت تحت ستم ایران تاکنون از آزادی

رفقای ما که ۱۰ تن میباشند. شامل ۹ رفیق پسر و یک رفیق دختر هستند خود داری کرده است ما ضمن محکوم کردن این سیاست جنایتکارانه امپریالیسم انگلیس از افکار عمومی جهان و کلیه سازمانهای انقلابی و دمکرات در سطح جهان خواستاریم به دفاع از آزادی رفقای زندانی ما برخیزند.

زندانی سیاسی به قدرت توده ها آزاد باید گردد



بقیه از صفحه ۶

عینسی خود را باز گوناید" . . .
 و راه سببهان آن شهرک بسلام
 و لمان را نشان دادم و چادرها
 پیش از شهرک بحث میخورد . در
 بدتر این شهرکها عنوز اتد جوس
 ، رسبه نذایه که حتی بتوانند
 در مراع اظطراری بیطاریابه شهر
 پیراند ند اری . در بسیاری از
 این جاهل آب آشامیدنی و وسائل
 ابتدائی هم فراهم نشده است"
 (جلسه علمی مجلس ۱۵/۸/۶۲)
 . . .
 ۱- برای دست یابی به ریاست
 "اد" رقابتی بر سر فترده ایجاد
 ده و مثلا "آغاز نسبی با وجود
 در دست ریاست
 بنیاد نیز منصوب میگردد . این
 است نظام سرمایه داری است .
 اثریت، عظیم بر بساط فقر و فلاکت
 نشینند تا اقلیتی استثمارگر
 به همه جز برسند . بودجه
 "ت" هنگفتی برای رسیدگی
 برا کار جنگردگان اختصاص دادند
 تا بر سر تقسیم آن به مناقسه
 بپردازند و در اینجا تنها چیزی
 که وجه المصلحه قرار میگیرد منافع
 بوده هاست . جنگرد هها
 بنور در چادر زندگی می کنند
 ، اندارد ، سیه نقلیه
 ندارند ، " آب آشامیدنی و وسائل
 ان " فراهم نیست .
 بودجه "نسب" هنگفت
 اختصاص داده شده به این امور
 بن مسئولین و مقامات مربوطه
 اشکال مختلف تقسیم شده مورد
 حیف و میل قرار میگیرد . وسائل
 اکن ، جیره جنسی ، وسائل
 نقلیه ، . . . که
 از این برای بنیاد در
 اختیار جاگرده ها قرار گیرد ، جز
 در حد بسیار کمی که برای خالی
 نبودن عرضه به جنگرده ها تحویل

بنام آوارگان . . .

میشود بقیه عمدتا" بدست واسطه
 ها و بازار آزاد میرسد و از تنها
 جایی که سر در نمیآورد منازل
 جنگرده هاست . دزدی ها ،
 آنقدر ا کار است عیان که نماینده
 محترم! مجبور میشود نمونه های
 به ار کو جکی از آنها ، از جمله
 بالا کشیدن ۱۶ درصد از کالاهای
 خانگی جنگردگان ، فروش یاخشیدن
 بسیاری از کالاهای خانگی موجود
 در انبار - فروش موتور سیکلتهای
 سهمیه جنگردگان - تبدیل جیره
 جنسی (اعم از غذائی و یوتاشکی)
 به جیره نقدی بدون در نظر
 آفتن آثار تورم و مشکلات خرید
 برای آوارگان (با این کار بنیاد
 پول هنگفتی به جیب میزند . او
 از طرفی پول اجناس را به نرخ
 دولت به جنگرده ها میدهد
 و از طرف دیگر اجناس را به چند
 برابر قیمت در بازار آزاد بفروشد
 میسازد و از مابه التفاوت ، سود
 سرشاری میبرد) ، افشاء می نماید .
 خوانی است گسترده و رنگارنگ و
 گرسنگان شکم باره برای سهم بری
 بیشتر بجان هم افتاده و هرکسی
 بغرا خور قدرت و توان خویش
 میزان بیشتری را میباید . نه
 حسابی در کار است و نه کتابی ،
 نه از بازرس ختری هست و نه
 از نظارتی . " همه با هم " میچاپند
 و میلعند : " هیچ نظارتی بر سر
 هزینه ها و توزیع کالا و مواد
 خردی و فروشگاهها وجود
 ندارد و اغلب خود سرانه عمل
 میکنند و همین باعث فساد مالی
 شده است " (رشیدیان ، همانجا)
 و در این رابطه آنها تیکه از قافله
 عقب مانده اند دایه مهربانتر از

مادر شده ، دل به حقوق از دست
 رفته جنگرده ها و هرزد دادن بیتب
 المال میسوزانند و فغان بر میدارند
 که : " بعلاوه اموال بیت المال
 هرزد داده شده ، حقوقی جنگردگان
 تضییع شده کارهای خلاف مالی
 و اداری و قانونی صورت گرفته و
 این نیستند که کسی پیاید مشغول
 بگردد و بیت المال را بیاد فساد
 بدهد و دست آخر هم با سلام
 و ملوات و تضییع وقت مجلس و
 نمایندگان و امت اسلامی برود .
 بی کارش " (همانجا) اما قاضی
 سالار این قسمت از جپا و لپها
 (و ریر کشور) که مورد استیضاح
 قرار گرفته است بیدای نیست که به
 این باد ها بلرزد . اوسیتنه
 را می شناسد ، خود را می شناسد
 و بومنافع همپالکی هایش کاملاً
 آگاه است . او با اطمینان اعلام
 میکند این دزد بها امر طبیعی
 انقلاب است که بنا به رهنمود
 " بهشتی " باید " اینها را تحمل
 کنیم تا استعداد ها بروز کنند .
 او به تعریف و تمجید از مدیران
 انتظامی خود میردازد که تازه
 " فرهنگ ستشاهی " و " فساد
 و فحشا " و رشوه خواری و کم
 کاری منطبق نبودن با انقلاب
 اسلامی " و " ضوابط و قوانین دست
 و پا گیر باقیمانده از نظام گذشته
 " عرصه را بر مدیران تنگ کرده
 بود و حتماً آنها نیز برای رهایی
 از این تنگنا به حیف و میل بیت
 المال پرداخته اند تا " استعداد
 ها " نشان " بروز کند " . وزیر
 کشور در جواب اعتراضات استیضاح
 کنندگان در مورد عدم قرار دادن
 مسئولی پاک و منزله آب باکی بر
 دست آنان میریزد و با و نشیر
 مسئله سیستم و قانون را مطرح
 میکند و میگوید " ببینید گیر قانون
 بقیه در صفحه ۳۱

اعتراضی انقلابیون

صفحه از صفحه ۲۶

انقلابیون را در جنبه‌های آزادی ایران شدیداً محکوم کردند و خواستار پایان نوری اعداها، سرکوب جنبش طلمه کارگرو سرکوب مبارزات بحق خلق کرد شدند. در این جلسه سازمانهای ایرلند و خانواده مهدی ای اعتبار ضد نفرت خود را از سر استناد به رسم جمهوری اسلام در دفاع

فریبکارانه از سارزات خلق ایرلند اعلام داشتند. در پایان جلسه شکرانی ضمن مضمون مقامات جمهوری اسلامی فرستاده شد. در پی همین دیدار نمایندگان ارتش جمهوری خواه ایرلند و ارتش فدائی یخشتملی ایرلند از برنامه سازمان جریکهای فدائی خلقی ایران در رابطه با لزوم سرنگونی

قبر آمیز رژیم جمهوری اسلامی در هم شکستن ماشین دولتی لزوم جدائی دین از دولت و انقلاب اجتماعی حمایت کردند. ۱۴ اکتبر ۱۹۸۳ سازمان دانشجویان ایرانی لرانگلستان اسکاتلند و ولز هرادار سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

کمیته‌های

بقیه از صفحه ۱۶

مغنی اعتصاب منتج از شرایط و وضعیت خاص انقلاب و سرور بدستهای درون آن میباشد. بدین جهت رانج است که مسئله تکمیل این کمیته‌ها بمنظور جمع و تکرار دادن نیروی انقلابی ترین طبقه یعنی طبقه کارگر برای گشودن راه مبارزه سازمان یافته بر علیه رژیم جمهوری اسلامی است از این رو با هرگونه تغییر و تحول اساسی که در وضعیت جنبش و موازنه نیرویهای انقلابی و ضد انقلاب در سطح جامعه حادث شود، این کمیته‌ها به اشکال نریختنی از سازماندهی متناسب با وضعیت جدید تحول

می‌بایند. کمیته‌های مغنی اعتصاب اشکال سازمانی در خودی نیستند که با تغییر شرایط از گرد و ننگ سازماندهی مبارزات طلمه کارگر خارج شده و ایجاد اشکال جدیدی از سازماندهی در دستور قرار بگیرد، بلکه کمیته‌ها خود با تغییر شرایط متحول میشوند. به اشکال جدیدی فرا میرویند، یعنی زلفه‌های تشکلات توده‌ای بعدی بحساب می‌آیند. گسترش مبارزات توده‌ای به تبع آن شکستن جو خفقان و سرکوب، کمیته‌های کارخانه ضمن اینکه اکثریت کارگران را به خود جلب میکنند، در راستای بهروری جنبش و قدرت‌گیری نیروهای انقلابی و مشخصاً طبقه کارگر و ارگانهای اقتدار توده‌ای و مشخصاً شوراهای کارگری متحول میشوند حتی در صورتیکه جنبش انقلابی به شکست کشانده شود، بطوری که مبارزات کارگران برای یک دوره رو

به رکود گذارد، این کمیته‌ها میتوانند به سندیکاهای انقلابی بدل شوند و از این طریق احتمالاً بعنوان یکی از نهادهای جامعه رسمیت یافته و حداقتل تشکلات طلمه را حفظ نمایند در اینجا صرفنظر از بحث پیرامون اشکالی که کمیته‌ها می‌بایند متناسب با شرایط جنبش به آن تحول بیابند، صحبت بر سر لزوم شناخت از چنین چشم اندازی بهر حال، برای انجام طبقه پیشبرد وظایف انقلاب، صرفنظر از نتیجه امر و اشکالی که کمیته‌ها بخود خواهند گرفت، ضرورت بیرون آمدن کمیته‌های کارخانه از اهم وظایف است بدون این بیرون آمدن کمیته‌ها همانند جزایری محزا از هم در انبساط طلمه، تیا حتم بورژوازی شده و درهم شکسته می‌شوند. در این صورت نقش سنا فنگ در درجه اول اهمیت تیار دارد.

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

شوراها و...

بقیه از صفحه ۱۸

خواهد با تو دهها باقی بماند به این بیماری همه گیر تسلیم شود. مروجین بلشویک کار ترویجی عظیمی را در بین توده‌های تسلیم شده به دفاع طلبی آغاز کردند و قادر بودند که "برای مدتی علیه مثنی (توده‌ای) در اقلیت بمانند در امر تبلیغ و ترویج بلشویکها همواره نهضیات توده‌ها و باورهای اوهای آنان را در نظر داشتند ولی مضمون و اصالت انقلاب را در مقابل این نهضیات قربانی نمیگردند. همواره ساله مضمون شورا و قدرت سیاسی که در دست کیست و باید به چه کسانی منتقل شود را برای توده‌ها توضیح می دادند. وقتی که اس-ارها و منشویکها به سیاست بورژوازی در تفرقه و تضعیف کارگران توجه گذاشتند یعنی در کابینه ائتلافی با بورژوازی شرکت کردند و موجب تبلیغاتی جدیدی برای تحمیل توده‌ها براه افتاد، و در حقیقت کارها را که وزرای بورژوازی برای جلب توده‌ها نمی توانستند انجام دهند این "سوسیالیستها" و فاندازان به انجام آن همت گماردند بلشویکها تبلیغات خود را بر علیه کابینه ائتلافی تشدید کردند.

"در تمام انواع کابینه‌های ائتلافی که با شرکت سوسیالیستها تشکیل میگردد، این سوسیالیستها حتی با وجود عناصر کاملاً "مادق" در بینشان در عمل به دکتور بی مصرف و پاپرده استتاری بر دولت بورژوازی به برقی گیری که جریان رعد خشم آلود مردم را از تلاقی با دولت منحرف میکند و به ابزاری در دست دولت برای فریب مردم تبدیل می شوند... و مادامی که سیستم بورژوازی با بر جاست تا زمانی که ماشین دولت کهنه و بوروکراتیک بورژوازی دست نخورده باقی بماند، چنین بوده و خواهد بود." یا چنین درکی است که بلشویکها یا فائق آمدن بر "وضع موجود" پرولتاریا و زحمتکشان را برای کسب قدرت سیاسی آماده می کنند و میتوانند آماده کنند. و بالاخره ایراد دیگری که از سوی اپورتونیستها گرفته میشود تا سازش طبقاتی را بر مبنای آن استوار کنند پرولتاریا غیر متشکل، ضعیف و فاقد آگاهی طبقاتی است. از این فرض برای اپورتونیستها سازش با بورژوازی و خرده بورژوازی ناشی می شود. اما به جواب لنین توجه کنید" درست بنا بر این همه"

تکلیف مبارزه با آن رهبران خرده بورژوازی به اصطلاح سوسیال دموکراتها است که توده‌ها را خواب میکنند، آنها را تفویض به اعتماد به بورژوازی میکنند. با این خرده بورژواها وحدت نه بلکه غلبه کامل بر این سوسیال دموکراتها، که انقلاب پرولتاریا را به تباهی میکشاند. (۸)

مسئله این نیست که آیا کارگران آماده هستند یا نه، بلکه اینست که چطور و به چه منظور باید آماده شوند.

ساله این نیست که با چه سرهستی حرکت کنیم، بلکه اینست که به کجا باید برویم.

با چنین درک دیالکتیکی از مبارزه طبقاتی است که پرولتاریای روس، تحت رهبری بلشوویکها موفق میشوند به کلیه گنج سری ها و اوها مخرده بورژوازی فاشی شده و بورژوازی را سرنگون سازد.

- (۱) - لنین یکی از مسائل اصلی انقلاب
- (۲) - "نامه‌هایی از دور" نامه اول
- (۳) - "ارزیابی وضع فعلی"
- (۴) - "یکی از مسائل اساسی"
- (۵) - "وظایف پرولتاریا در انقلاب ما"
- (۶) - "انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد"
- (۷) - "درس‌های انقلاب"
- (۸) - "کنفرانس شهر پتروگراد"



بنیاد فدائی کیسرفیق (اسکندر)

بقیه از صفحه ۲۶

— روی شهرها پاشید ،
 به روی کوهها افشانید ،
 به چشم دشمنان سخت کوبید !

*

خبر در شهرها پیچید
 خبر در گوش دهقانان لـ
 — ناپاورانه —

سخت به نسبت

*

دلبرای شیرمردا
 پلنگ خط کیلان و کردستان
 هس او از حمید اشرف و شهید خلق لـ
 ای از تبار و تیره شیران ...
 کجا شد آن همه گرمی و شجاعت جُست و
 چالاکیست ؟

چه شد آن کوبش قلبت ؟

کدامین نقطه میهن ز خونت گشت سیراب ؟
 کدامین گوردل ، تیر کین بر قلب تو بنشانند ؟
 کدامین جهل رود رویت ایستاد ؟
 تنگت کو ؟ چریک بیخه اسیران در زنجیر

*

خزان طی شد و خزان دیکر آمد
 خزان طی شد ، دگوباره خزان تازه آمد
 نسیم خون جگر ، بر بوی خون

سوزدم ، دماندم

با بیایی تازه آید !

این شهر و ده از خون باران میشود سیراب

*

زمین شهر و ده از خون باران میشود سیراب
 ، لهن خلق ما

در صینه اش مدها ، هزاران ، صد هزاران

نوگل بر خون

امیر و محسن و هادی

سیامک بارها دارد

سوره دما هر که آزادی سرود خلق ایران
 که مندا اند آبر خه نین ز بیگانه ، هفتان است .
 بر از یاد سیامک ها و کرامت ها ...

رشادت هاست

تش در قلب ما : کوبش قلب صد

خسره و هادی هاست

و بر کن صینه مان

بذرش زانمان سیامک هاست

همه گرمی همه عشق و امید غنچه های خلق

همه از آتش گرم ، فداقت هاست .

*

سیامک باش آه ده ...

سرود تو سرود خلق در بند و

زیانت نمته دهقان و زحمتکش

بیفتاده سلاح رزم تو

در دست پارانت

سه د ختم را بند تا بند

چه سو زبان و عاشقانه و گرم میزدند

و این ره همچنان باقی است

و خونت — ای همه خون شهیدان —

همچنان در قلب ما جاری است .



جاودان باد خاطره همه شهیدای بخون خفته خلق



یادداشت‌های سیاسی

این دستوری است که پیروان مبارزه "خاک سفید"، "گوهردشت"، "امامزاده حسن"، اطراف بیمارستان شماره ۲ بیمه در جاده کرج و... بر سر توده‌ها خراب شد و ساکنین آنان بخاک و خون کشیده شدند. این دستوری است که پیروان جنایت "افسریه"، "رباطگریه" و... آفریده شد و کاروان و زحمتکش‌شان این مناطق نیز به خاک و خون افتادند. ناطق توری در جلسه استیضاح مجلس (۱۷/۱۸) ذر مورد مسئله شهری و خارج از محدوده برای دفع تهاجم نمایندگان بقیه در صفحه ۱۲

اگر نشد خیر، بی‌کنید

اگر نشد "که توده‌ها را بزور سینه و تفنگ از ساختن سرپناه برای خود بازداریم و اثر" نشد "که آنان را از این منازل که با خون خود ساخته‌اند بیرون بیاورد" خانه‌ها را بر سر آنان خراب کنید و آنان را به خاک و خون بکشید. این دستور بی‌سفاک رژیم و شیاد بزرگ قرن "خمینی" است که وزیر کشور، در جواب استیضاح نمایندگان برای تبرک خود از جنایت تخریب منازل خارج از محدوده ازشاگرد.

بیاد دومین سالگرد شهادت فدائی‌کبیر رفیق سیامک اسدیان (اسکندر)

"و این ره همچنان باقی است" نسیم از گرمی جاننش به خود پیچید زمین از لرزش قلبش به خود لرزید ستاره سرخی از خورش گرفت، آنگه که آهنمود میدانها رفیق اعظمی، بیژن، صفایی‌ها بخون خویش گلگون کرد زمین سبز گیلان را. نسیم از جسم خونینش گذر کرد و کین آسوده بوییش را بقیه در صفحه ۲۵

اعتراض انقلابیون ایرلند نسبت به جنایات رژیم جمهوری اسلامی

نمایندگان مطبوعات ایرلند شمالی و خانواده دوتن از شهدای اعتصاب غذای سال ۱۹۸۱، لاقابت کردند. در این جلسه نمایندگان سیاسی دوسازمان عمده ایرلند پدریاتی اومارا و خواهر میگی - دیواین، کشتار کمونیست‌ها و بقیه در صفحه ۲۳

اطلاعیه - نمایندگان سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند، لیزهوا دار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در جلسه ای در شهر دری با نمایندگان ارتش جمهوری خواه ایرلند و جناح سیاسی ارتش رهائی بخش ملی ایرلند

گرمی باد
خاطره
شهدای
۱۶ آذر

توطئه مشترک انگلیس و ایران

بدنبال اشغال دفاتر هواپیمایی و سفارت جمهوری اسلامی ایران در چند کشور اروپائی هستند توسط دانشجویان انقلابی بقیه در صفحه ۲۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

جنبش گارگری



پارس مثال

۶۲/۸/۵ — مدیرعامل
کارخانه در ضمن بازدید از سالن
تولید از یکی از کارگران میپرسد
که در روز چند قطعه تولید میکند
و وی جواب میدهد ۱۰ قطعه سپس
مدیرعامل میپرسد آیا میتوانی بیش
از اینهم تولید کنی کارگر
جواب میدهد بله اگر حقوق بیشتر
بگیرم میتوانم ۱۵ عدد هم درست
کنم. دوباره مدیرعامل میپرسد از
اینهم بیشتر می توانی که کارگر
جواب میدهد با زور و اشکال میشود
۲۰ قطعه هم ساخت و مدیرعامل
با دادن قول مساعد دور میشود
سپس کارگر فوق به جمع همکاران
خود بازگشته و با خوشحالی
میگوید که احتمال دارد حقوقش
افزایش یابد این خبر پخش میشود
و کارگر مورد اعتراض دیگران قرار
میگیرد و از شیفتهای دیگر نیز به
بقیه در صفحه ۲

اخبار جنک ارتجاعی

مسجد سلیمان: پس از حمله موشکی
رژیم عراق به شهر مسجد سلیمان و
بویرانی کشیدن مناطقی از شهرکه
بر اثر آن صدها نفر زخمی و پسا
کشته شدند، توده ها که از تداوم
جنگ متنفر شده و خود را گوشت
قربانی سیاستهای ضد انقلابی
رژیم احساس میکنند، بفکر میافتند که
چگونه خود را از این وضع نجات
دهند. تعدادی به شهرهایی
چون شیراز و اهواز پناه میبرند و
نزدیک به نیمی از اهالی که توان
رفتن به شهرهای دور را نداشتند
به روستاهای اطراف پناهنده شدند
کسانی از این عده که شاغل هستند
اجباراً صبحها به شهر آمده سر
کار میروند و شبها دوباره به روستا
میروند. تعدادی دیگر که یاجائی
برای رفتن نداشتند و یا بدلیل
شغل و مدرسه و... امکان اینکار
را نداشتند اجباراً در شهر باقی
مانده اند و در حالیکه از کینه های
سترگ نسبت به رژیم جنایتکار حاکم
لبریز هستند جهت دریافت موشکها
دیگری در کابوس انتظار بسر میبرند
مسجد سلیمان جزء دورترین نقاط
خوزستان به مرز محسوب میشود و
هیچ کمی تصور اینرا نمی کرد که
بقیه در صفحه ۵

جنبش توده های

باغ جلالی

از شهرکهای جاده ساوه

حرکت مجدد مردم برای تا ۵ مین
برق مصرفی محل ۶۲/۸/۲۰

نزدیک دو هفته است که باز برق
محل بدلیل خرابی ترانس برق
محل قطع شده است اداره برق
که هر چند گاه خود برای قطع
برق اقدام میکرد از خدا خواسته
کاری برای تعمیر مجدد انجام
نمیدهد حرکات اعتراضی مردم در
طول این چند سال بخاطر بی-
برنامگی، نبود عنصر آگاهی و عدم
تشکل بی نتیجه مانده. حرکات
مردم در حد ابراز تنفر شدید از
حکام محل و مسئولین و حاکمیت
محدود مانده است.

روز قبل یکی از مغازه های محل
که کپسولهای کوچک گاز را پسر
میگرد آتش گرفت و بخاطر نبود حد
اقل امکانات و حتی آب، تمام منزل
و مغازه سوخت. مردم با حسرت
شاهد سوختن حاصل رنج و مشقت
بقیه در صفحه ۴

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجا کنیم

پارس متال

او مراجعه کرده و به او هشدار می دهند که این یک توطئه از سوی مدیریت است آنها با دادن قول و فرار همیشه در صدد افزایش تولیدند اما پس از یکی دو ماه پول اضافی را نمیدهند و لسی تولید را بالا نگه میدارند و سعی میکنند سطح کار بالا بماند و کارگر دیگری میگوید ما نباید بگذاریم که به تعداد سابق برگردد و توانان جوانی و شاید بتوانی روزی ۲۰ قطعه تولید کنی اما یکی دو سال بعد در اثر فشار کار طاقت فرسا از کار میافتی. بحث بر سر توطئه های مدیریت و ... تا بدانجا پیش میرود که کارگر مزبور از کرده خود پشیمان میگردد. همچنین در این گفتگوها میتوان دریافت که چگونه کارگران بخوبی بر توطئه های سرمایه داران و رژیم حامی آنان آگاه گشته اند.

۶۲/۸/۲۱ - اطلاعیه فوق در جعبه اعلانات نصب شده است : بنظور بالا بردن تولید و بهتر شدن حال کارکنان طرحی آماده شده تا میزان پاداش برای اضافه تولید هر قسمت را تعیین کند.

۱- قسمتهایی که از تاریخ ۸/۲۱/۶۲ تولید خود را از قبل از این تاریخ اضافه نمایند پاداش دریافت خواهند کرد ۲- ملاک برای میزان تولید از تاریخ ۸/۲۱/۶۲ چند ماه گذشته است ۳- در قسمتهایی که تولید جمعی انجام میشود نه بیک نفر بلکه به تمام افراد قسمت پاداش تعلق میگیرد ۴- قسمتها

مانند تعمیرات برق - قالبسازی - تراشکاری - امور اداری و کار - گزینی هم پاداش تعلق میگیرد که چگونگی آن در جدولی که باین منظور تهیه شده مشخص است ۵- منظور از تولید اضافی که به آن پاداش تعلق میگیرد تولید سالم است ۶- میزان پاداش هر قسمت در آخر هر هفته مشخص خواهد شد ولی مبلغ آن آخر هر ماه پرداخت خواهد شد ۷- در آینده پرداخت مبلغ پاداش توسط کامپیوتر و با حقوق پرداخت میشود ۸- به اضافه تولید در زمان اضافه کاری پاداش تعلق نمیگیرد ۹- ۱۰۰۰۰۰ - ۱۰۰۰۰۰۰ رژیم جمهوری اسلامی این حاکمیت حامی سرمایه داران و ضد کارگر که بارها دشمنی خود را با طبقه کارگر نشان داده است وقتی از راههایی چون اخراج، دستگیری و کشتار کارگران مبارز نتوانست کارگران را تحت فرمان خود در آورد اینک به حيله های قدیمی

شاه ساخته چون دادن پاداش در مقابل اضافه تولید مقومل شده است، که این تصمیم مانند همه تصمیمات سردمداران رژیم تنها بسود سرمایه داران و دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی است کارگران آگاه و مبارز بخوبی میدانند که با اجرای این طرح و اضافه شدن تولید حق بیشتری از آنان ضایع شده و جیب سرمایه داران پرتر خواهد شد. دادن پاداش در ازای اضافه تولید سرپوشی است برای اجرا نکردن طرح طبقه بندی مشاغل و ندادن حق تولید هر سه ماه یکبار که حق مسلم کارگران است

۶۲/۷/۹ - بمناسبت هفته جنگ قرار شده بود که نیمساعت اضافه کاری صورت گیرد اما کارگران در این هفته حاضر به اضافه کاری نشدند و علی رغم فشارهای متعدد و از جمله اینکه سعی کردند در بی حمام را دیرتر باز کنند تا کارگران این نیم ساعت را مجبور به کار شوند اما کارگران سر ساعت همیشگی کار را تعطیل کرده در مقابل حمام اجتماع کردند و مسئول مربوطه ناچار به باز کردن درب حمام شد و شیفت بعد هم بهمین ترتیب - لازم به یاد آوری است که سال قبل برای هر شیفت یکساعت اضافه کاری در نظر گرفته شد که اجرا شد و سرویسهای یک ساعت دیرتر حرکت نمودند. این مقاومت کارگران در مقابل اضافه کاری اجباری و مجانی بیانگر رشد آگاهی آنان و نشانگر اینست که کارگران دیگر فویب حيله های رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی را نمیخورند.

صنایع دفاع

مدتی است که بدلیل کمبود برنج غذای معمول را به کارگران نمیدهد و کارگران هنگامیکه برای صرف ناهام به سالن غذا خوری میروند با آبگوشتی که بشدت بوی تعفن میداد مواجه میشوند و همه به اعتراض برمیخیزند سرهنگی که مدیر بخش است به ناهار خوری آمده و به کارگران میگوید چه کنیم برنج نداریم و با خواهش و استدعا از کارگران میخواهد که بسرکار برگردند و تا رسیدن برنج از خانه غذا بیایند و روز بعد یعنی در تاریخ ۶/۸/۶۲ پس از ساعت ۷ بقیه در صفحه ۷

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

ایران ناسیونال

در تاریخ ۱۸/۸/۶۲ طی
تصمیمی که از سوی مدیریت
کارخانجات ایران ناسیونال
گرفته شده بود مبنی بر کسر ۲۵
دقیقه ناهاری از ساعت اضافه کاری
، برای کسانی که میخواهند اضافه
کاری نمایند که این تصمیم از طریق
کارگزینی به تمام قسمتها ابلاغ
گشت تا کارکنان از این تصمیم
مطلع شوند و بدنبال آن اعتراض
همه جانبه به این تصمیم در همه
قسمتها بگوش میرسید .

این تصمیم باین صورت بود که
شیفت اول که ساعت ۲ تمام میشد
کسانی که میخواستند اضافه کاری
نمایند ساعت اضافه کاری شان از
ساعت ۲/۲۵ دقیقه بحساب
می آمد و این ۴۵ دقیقه وقت
ناهار بود و جزو اضافه کاری
بحساب نمی آمد . از فردای آن
روز تمام قسمتها سر ساعت ۲ که
شیفت تمام میشد دست از کار
کشیده و هیچکس اضافه کاری نمیکرد
بطوریکه در طول این چند روز
که تا اول آذر ماه ادامه داشت
میزان تولید پائین آمده و کمکاری
بمیزان زیادی در قسمتها بالا رفته
بود . در روز اول که این تصمیم
گرفته شده بود تمامی کارگران
قسمتها دست از کار کشیده و برای
سوار شدن به سرویسها راه افتاده
بودند که با تعدادی که میخواستند
اضافه بایستند روبرو شدند
این تعداد انگشت شمار بوده و
مورد اعتراض بقیه کارگران قرار
میگیرند و می گویند دست از کار
بکشید و بروید سوار سرویس

شوید و بروید بخانه هایتان .
کسانی که اضافه کار ایستاده بودند
می گویند : ما احتیاج داریم و
اضافه کاری می ایستیم که کارگران
دست به جیب های خود کرده و
چند سکه ۵ و ۱۰ ریالی راجلوی
آنها پرتاب میکنند و می گویند
ما هم احتیاج داریم به پول برای
گذران زندگیمان ، این دلیل
نمی شود که هر چی گفتند بگوئیم
بله قربان - چشم و سرمان را پافین
بیاند ازیم حالا که احتیاج داریم
این سکه ها را بردارید لازمستان
می شود و اگر خیلی احتیاج دارید
ما میتوانیم به اندازه پول اضافه
کاریتان به شما چند نفر پرداخت
کنیم و بدین ترتیب کسانی که
اضافه کار ایستاده بودند قانع
می شوند و آنها هم مثل بقیه
دست از کار می کشند و همگی
سر ساعت ۲ کار را تعطیل کرده
و به خانه هایشان می روند
بطوریکه سرویسهای اضافه کاری
که در حدود ۴۰ الی ۵۰
اتوبوس بود در این چند روز
به تعداد ۲ تا ۳ دستگاه تقلیل
یافته بود و همه کارگران متحد
شده بودند و کسی دیگر اضافه
کاری نمی ایستاد . مدیریت
کارخانه که وضع را خراب دیده بود
و دید که تولید به میزان قابل
توجهی پائین آمده است اضافه
کاری را در قسمتهای مختلف
اجباری کرده بدین مضمون که هر
روز چند نفر را اسمشان را یاد
داشت کرده که در آن روز اضافه
کار بایستند که این کار هم
نتیجه ای عایدشان نکرد .
و بدنبال آن تصمیم گرفتند که

۴۵ دقیقه ناهاری را اضافه کار
کسر نکنند و متعاقب آن دو ب
سالن ناهار خوری کارخانه را
بستند تا کارگران نتوانند از ناهار
خوری استفاده نمایند .
موفقیت کارگران در تحقق خواست
بر حقشان مبنی بر احتساب ساعت
ناهار جزو ساعات اضافه کاری بار
دیگر نشان داد که تنها در اتحاد
و وحدت عمل آنان است که
بخواستهای بر حق خود دست
خواهند یافت و بار دیگر کارگران
به قدرت واقعی خود آگاه گشتند
و مشخص گردید که هر گاه یکپارچه
و متحد عمل کنند کار فرمانان را
وادار به عقب نشینی خواهند کرد

برجستون

برجستون شیواز (در اسفند ماه
گذشته) چند کارخانه را تصاب کرده
بودند (در برق و ایگار) که در
آن اعتصاب عده ای دستگیر شدند
۴ نفر از کارگران اوایل شهریور
توسط رژیم اعدام شدند خبر به
کارخانه رسید ، اول آبان کارگران
مراسم چهلم میگردارند از دو نفر
میخواهند صحبت کنند محور
صحبت کارگران این بود که آنها
بجرم آمریکائی بودن اعدام شدند
از خواستهای ما دفاع کردند اگر
آنها آمریکائی بودند ما هم
آمریکائی هستیم ولی میدانیم که
ما آمریکائی نیستیم آنهائی که
اینها را اعدام کردند خودشان
آمریکائی اند . پاسداران بیورش
میاورند درگیری میشود تعدادی
دستگیر میشوند

۴۰ ساعت کار ، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

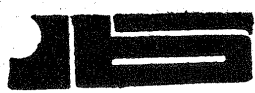
باغ جلالی

هم زنجیر خود بودند . و هیچ کاری هم از دستشان ساخته نبود چون هیچ امکاناتی برای مقابله در دسترس نداشتند . بعد از سوختن کامل خانه ماشین آتش نشانی از "چهار دانگ" که در ۱۲ کیلومتری شهرک قرار دارد آمد مردم که علت آتش سوزی را نبود برق و روشنایی و نبود امکانات در شهرک میدانستند با موریین آتش نشانی و گشت چند الیه پاسدارها که در محل حاضر شده بودند با تنفر بر خورد می کردند . این انزجار بقدری آشکارا ابراز میشد که در بعضی موارد به بر خورد و کشمکش منجر میشد و در یک مورد هم یکی از جوانان پرخاشگر را به زور دستگیر و میخواستند داخل ماشین چند الیه ببرند که با مقاومت شدید جوان و مقابله و وساطت مردم مینا چار آزادش کردند درء حیت با ماء موریین مردم با طعنه بر خورد میکردند . یکی از ماء موریین آتش نشانی رویه امالی کوچه گفت : شیوهای آب خانه یتان را باز کنید تا پمپاژ کرده و از سرایت آتش جلوگیری کنیم . یکی از زنهای محل گفت : آقا آب خانه ها خشک شده می - خواهید شیر آب پسرهایمان را باز کنیم تا ماشینتان را پر کنید ! مردم در تمام بد بختی هایشان دست پلید رژیم سرمایه داری را می بینند در آن روز هم خشم فرو خفته مردم با زغلیان کرده بود روز بعد زنان محل برای اعتراض

به وضع برق به حرکت در آمدند پاسی از شب گذشته بود که عده ای از زنان با شعله مرگ بر شورای قلابی یا مرگ یا برق در کوچه ها راه افتادند در انتهای کوچه به منزل مرادی که نمایند ه سابق کوچه و مرد فعال و خوش نام محله است رفته و او را از منزل بیرون کشیده بودند زنهای اصرار داشتند که به همراه آنها برای اعتراض به منزل رضوی امام جماعت و حاکم شرع محل بروند . ایشان هم بخاطر همراهی نکردن مردان دیگر امتناع میکرد . زنان بالاخره بدون ایشان براه افتادند . تا انتهای کوچه تعداد زنان بیشتر شده بود زنان از اینکه مردان مشارکت نمی کردند به شدت عصبانی بودند و شعار میدادند " زنهای بیا پیوستند بی غیرتها نشستند " تنها پیر مرد همراه زنان با تمام توان فریاد میزد مرگ بر شورای قلابی و زنان هم تکرار میکردند . (بجز چند نوجوان ، چند مرد هم در فاصله ای نسبتا دور از زنهای حرکت میکردند که در ادامه آنها هم با زگشتند) در نیمه راه عباس اسفند یاری رئیس سابق کمیته منطقه جلو مردم سبز شده و با تهدید و فریاد گفت : " باز شمارا ضد انقلاب ها تحریک کردند " ! برق میخواهید بیا بید پیش خودم آقای رضوی در جبهه هستنید فیش های بانکی شما نزد من است پولهایتان را بدهید تا بوقتتان وصل شود . در این موقعیت شلوغ کردن صلاح نیست بالاخره مجبور میکنید طور دیگری با شمارفتار کنند . اینقدر زود گول نخورید! زنان هیچ توجهی به حرفهای

مزد و نکرده اند . تنها چند تانسی وحشت کرده و باهم پیچ پیچ میکنند که " ممکن است همه را دستگیر کنند " آرام روی خود را از مردم پنهان کرده و از صفوف خارج شدند دیگر زنهای میگفتند این پدر سوخته از خودشان هست . اینها با هم میخورند و جداجد گاز میگیرند (ضرب المثل ترکی) شعار با مرگ یا برق ، مرگ بر شورای قلابی ، مرگ بر توکل جراب مزد و زبانی که این مزد و رساکن آنجا بود احتمالا " بخاطر ترس از شناسائی شدن توسط مزد و به جمعیت نپیوستند .
زنهای که حالا تعدادشان به ۸۰ ، ۹۰ نفر میرسید به طرف منزل رضوی با شعار های ناهمگون و پارازیتها بچه ها حرکت کردند . یکی از زنهای میگفت : رضوی اگر بخواهد عوضی جواب بدهد عمامه اش را باز کرده و ملافه میکنم . پدر سوخته بلد ه دزدی کند و باغهایش را زیاده کند . وقتی به منزل رضوی رسیدند به آنها گفته شد که رضوی مدتی است از آنجا نقل مکان کرده است و خودش هم در جبهه است و رفتن به خانه جدیدش هم فایده ای ندارد عده ای ناراحت و دلسرد شده و از همانجا باز گشتند و بقیه با شعار و همصه بطرف خانه توکل رئیس شورای شهرک حرکت کردند . توکل با زیر شلواری وزیر پیراهنی در وسط درگاه برای پاسخگویی ظاهر میشود . توکل این بار آن توکل بلبل زبان و آمر که به همه تشر میزد نبود و به لکنت افتاده بود و به قول زنهای زبانش بند آمده بود بقیه در صفحه ۶

پیر و زباد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



اخبار جنگ

روزی توسط موشک مورد اصابت قرار گیرد. این شهر بخصوص در اوائل جنگ امن ترین پناهگاه برای توده های سایر شهرهای زیراتش بود. تعداد کشته شده ها و مجروحین این حملات ضد بشری بسیار زیاد بوده قابل مقایسه با آماري که از سوی رژیم منتشر شده است، نمی باشد.

در جریان حمله موشکی به مسجد سلیمان که ساعت ۴/۵ بعد از ظهر صورت گرفت ابتدا دو موشک شلیک شد که دقیقاً وسط شهر اصابت کرد و هنگامیکه مردم قسمتهای دیگر شهر برای کمک به محل حادثه رفتند، موشک سوم شلیک شد (ساعت ۵). در همین اثناء درگیری شدیدی بین فرماندار و امام جمعه شهر رخ داد که مانع اقدامات سریع در جهت بیرون آوردن مصدومین از زیر آوار شد. در این میان مردم خشمگین فریاد میزدند که بگذرید ما خودمان با چنگ عزیزمان را از زیر آوار بیرون آوریم و شعار میدادند "جنگ، جنگی پیروزی" "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر جنگطلب" در این موقع سپاه وارد عمل شد و شروع به متفرق کردن مردم کرد و تعدادی را نیز دستگیر کرد روز بعد مراسم تشییع جنازه در استاد یوم برگزار شد که مردم بار دیگر در مقابله با مزدوران رژیم که شعارهای جنگطلبی میدادند شعار "مرگ بر خمینی" داده و آخوند ناطق را از پشت میکروفون بزییر کشیدند و بشدت کتک زدند که

بار دیگر پاسداران سرمایه به مردم حمله ور شده و تعدادی را دستگیر کردند. سپس دستگاه فیلمبرداری را آوردند و تعدادی مزدوران رژیم را جمع و جور کردند و شروع به دادن شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" کردند و البته فیلمبرداری از این صحنه فیلمبرداری نمودند در حالیکه در قسمتی دیگر از استاد یوم همچنان مردم شعار میدادند "جنگ جنگ کی پیروزی"، "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر جنگ افروز".

اهواز = حملات موشکی عراق به شهرهای مسجد سلیمان و بهبهان که فاصله زیادی از مرزها دارند، تصورات و معادلات توده ها را در مورد چگونگی تداوم جنگ برهم زد. در اهواز همواره این تصور بر ذهنیت توده ها غالب بود که کمی بزرگ موشکها و دفاع هوایی ایران مانع حملات موشکی عراق به موشک بستن مسجد سلیمان و بهبهان که حدوداً فاصله ای دو برابر اهواز تا مرزها دارند، هراسی بر دل توده ها نداشته است، توده ها خود را در تیررس حملات موشکی عراق میبینند و برای نظاره فاجعه ای قریب الوقوع لحظه شماری میکنند توده ها مزه آوارگی و در بدری را در ابتدای جنگ و مدتی پس از آن چشیده اند و عطرکرد ضد انقلابی و ضد بشری رژیم را در رابطه با جنگزده ها دیده اند و از تصور این که دوباره به چنین روزی دچار شوند و آواره این شهر و آن شهر گردند بر خود می لرزند. آنها

میدانند که اگر در ابتدای جنگ توده های سایر شهرها ایثارگرانه قسمتی از هستی خود را به آنها می بخشیدند، اینک اکثریت قریب به اتفاق کارگران و زحمتکشان از طرف خود در وضعیت اسفبار و فلاکت باری بسر میبرند و از طرف دیگر هیچ اعتماد و اعتقادی به رژیم ندارند که بخوانند از این طریق به آوارگان کمک نمایند. از طرف دیگر توده ها هر چه سرمایه و اندوخته داشتند در آوارگی و در بدری - ابتدای جنگ خرج کرده و اینک هیچ پشتوانه مالی جهت آوارگی دوباره ندارند. از اینها گذشته فرزندان آنها اغلب محصل هستند و در نیمه سال تحصیلی بسر می برند و آوارگی دوباره آنها را بازار تحصیل عقب میاندازد اغلب فرزندان جنگزده، در ابتدای جنگ یک یا دو سال از تحصیل عقب افتادند. تمامی این دلایل و عدم اطمینان و نداشتن تصویری از آینده خود، باعث شده که توده ها علی رغم انتظار مرگبار اصابت موشکها به شهر، اجباراً در شهر به زندگی (با بهتر است بگویم شبه زندگی) خود ادامه دهند جالب است بدانیم که اغلب مردم اهواز با این بهانه و مستسک که کارشناسان شوروی و خانواده ها - ایشان در اهواز اقامت دارند به خود قوت قلب میدهند که ممکن است عراق به اهواز حمله موشکی و ... ننماید.

بهبهان = حمله موشکی عراق به بهبهان باعث انهدام خانه های بسیاری و کشته و زخمی شدن تعداد بسیار زیادی از توده ها شد. رژیم که در هر صورت مترصد سوء استفاده بقیه صفحه ۶

حقوق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

بقیه از صفحه ۴

توگلی گفت: مسئولیت این کار با من نیست البته درست است که شورا باید مسئله را تعقیب میکرد ولی این وظیفه همکارهای دیگر من است. من قول میدهم که از فردا مسئله را تعقیب کنم حتماً هم انشالله موفق میشوم شما هم از هر کوجه یک نماینده انتخاب کنید تا به اتفاق هم کار را درست کنیم و... یکی از زنها به توگلی گفت: تقصیر تو نیست که حالت نمیشود که ما چه میخواهیم شکم سیر از شکم گرسنه کجا خبر دارد شما برق دارید، آب دارید... آسایش دارید آنوقت ما باید این قدر بدبخت باشیم که به آدمهایی مثل تو التماس بکنیم. در گوشه دیگر عده‌ای دیگر از زنان، زن توگلی را سوال پیچ کرده بودند زنها میگفتند: هر چی کمیابه

باغ جلالی

توی خانه شما جمع شده بخجال و تلویزیون را یکی به مردم میدهند و ده تا برای خودشان و فامیلیاتان بر میدارند. ما مثل شما روغن گیر نمی آوریم که بخوریم هوای بشویم. این تو و شوهرت هستید که حق مردم را مثل خرس میخورید و هی گنده میشوید... زنک برای خلاصی از چنگ زنان دنبال بهانه بود که با صدا کردن پسرش بسرعت محل را ترک کرد یا جمع شدن عده دیگری از همسایه های توگلی قرار بر این شد که از هر

کوجه یک نماینده انتخاب شده و به اتفاق توگلی کار را یکسره کنند زنان بار دیگر تهدید کردند در صورت به تعویق افتادن وبی - توجهی مسئولین جاده را خواهند بست و مانع تردد ماشینها خواهند شد.

پس از قدری بحثهای انفرادی زنان با دسته های کوچک محل را ترک کرده به خانه هایشان بازگشتند و بدین ترتیب فقط یک حرکت دیگر به حرکات متعدد ولی بی نتیجه و خود جوش مردم زحمتکش این محل افزوده شد و بار دیگر مشخص گردید که تنها راه مقابله جدی با مزدوران و مبارزه همه جانبه با رژیم جمهوری اسلامی تشکیل هسته های مقاومت توده ای و پیوند مبارزات کارگران و زحمت کشان برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

بقیه از صفحه ۵

از فرصتهای مناسب جهت پیش برد مقاصد ارتجاعی و ضد انقلابی خویش میباشد، سعی نمود جمعیتی از توده هادر حمایت از خود بوجود آورد، اما تنفر توده ها، زائل شدن توهم آنان نسبت به رژیم این هدف رژیم را به ناکامی کشاند رژیم که از این مسئله بهراس افتاده بود، طبق یک برنامه حساب شده روز پنجشنبه ۵ آبان، هنگامیکه توده های مصیبت دیده جهت سوغواری و برگزاری مراسم تشییع جنازه و قاتعه خوانی در گورستان شهر جمع کرده بودند، «خویشی ها» مزدور و خردوار جهت ایراد سخنرانی در معیت انبوهی از پاسداران به قبرستان اعزام میدادند تا نشان دهد که این تجمع توده هادر طرفداری از رژیم برپا شده است. پس از ورود «خویشی ها»

دستگاههای فیلمبرداری و عکاسی به قبرستان، توده ها متوجه این منظور رژیم شده، و بسرعت تا حد امکان از قبرستان خارج میشوند و بدین ترتیب بار دیگر بشکلی آرام و نهفته خشم و کینه خود را از چنگ افروزان و چنگ طلبان نشان میدهند.

بهبهان = دوحمله موشکی عراق به بهبهان، وضع نا هنجار بر توده ها حاکم نمود، حمله اول آنقدر کشته بر جای گذارد که علاوه بر سرد خانه شهر سرد خانه مرغداری شهر و ۳ دستگاه سرد خانه سیار که از مناطق دیگر آورده میشود مطوا از اجساد میشود. تعداد تلفات ایند و حمله بسیار بالاتر از رقمی است که رژیم اعلام نموده است بالا رفتن این تعداد بیشتر بدین خاطر بوده است که امکانات و

تسهیلاتی که بتوان زخمی ها را بسرعت به بیمارستان و دکتر رساند در حد اقل ممکن بوده است. اکثریت راههای ارتباطی بهبهان با سایر شهرها، جز به بدترین و ابتدائی ترین جاده های کشور محسوب میشوند. این جاده ها اغلب پر از دست انداز، چاله ها و... میباشد مثلاً فاصله بین بهبهان و گچساران هفتاد و دو کیلومتر است اما کمتر وسیله های میتوان پیدا کرد که بتواند در مدت کمتر از دو ساعت این فاصله را طی نماید. از طرف دیگر باند فرودگاه در شهر وجود ندارد و امکان انتقال مجروحین بوسیله هواپیما وجود ندارد، تنها هلیکوپتر و آمبولانس قادر به حمل و نقل مجروح میباشد که انهم بدلائل فوق قادر به رساندن بوقوع مجروحین به بیمارستان بقیه در صفحه ۷



دخان (واقع در جاده ساوه-همدان)

روستای "انار" (مشکین شهر)

این روستا در دامنه سیلان قرار دارد و یکی از روستاهای قدیمی و باز مانده شهر مدفون شده در زیر مواد مذاب آتشفشان سیلان است. چند تن از مقامات کشوری و لشکری منطقه از اهالی این روستا هستند و بهمین دلیل به این روستا آب و برق داده شده اما بدلیل وضعیت فلاکت بار اقتصادی مردم و دزدیهای مالی و زورگویی وابستگان به مقامات مزبور، مردم بشدت از حاکمیت متنفرند و یکی از مظاهر بروز مخالفت آنها در عدم شرکت در مراسم مذهبی و مساجد میباشد بطوریکه در یکی از روزها نزدیک عاشورا حجت السلام حیدری رئیس دادگاه مشکین شهر که اهل این روستاست به مسجد آمده و مردم را برای استماع یک سخنرانی مهم دعوت میکند. پس از تجمع مردم میگوید: ما به شما آب و برق دادیم، درمانگاه دادیم از همه روستاها بیشتر دام کشاورزی دادیم آنوقت شماها دهن و مذهبتان را هم از دست داده اید و عزا داری هم نمیکنید چرا بجای رفتن به قهوه خانه به مسجد نمیآید اگر چنین باشد ما هم با شما طور دیگری رفتار میکنیم! اما مردم بی اعتنا به تهدیدات وی مسجد را دسته دسته ترک میکنند بطوریکه حیدری عصبانی شده و افراد را با سم صدا میکند اما کسی بر نمیگردد و جناب حیدری دست از پا درازتر مسجد را ترک میگوید

گوشت، مرغ را حل نمیکنند و... بخشدار عصبانی شده، به فرد مزبور فحاشی کرده و شیشی را به طرف او پرتاب میکند. جمعیت عصبانی میشوند و به حمایت از فرد مزبور بسوی بخشدار حمله ور میشوند. پاسداران جهت حفظ بخشدار و امام جمعه، سه تیر اندازی هوایی پیردازند. بخشدار و امام جمعه توسط پاسداران از محل دور میشوند. در پی تیر اندازی توده های خشمگین با پاسداران درگیری پیدا میکنند که پاسداران برای ارباب و متفرق کردن توده ها بسوی آنان شلیک میکنند که طبق اخبار رسیده ۳ تن از مردم زخمی میشوند، اما پاسداران خود نیز مجبور به فرار میشوند.

بناسبت روز دهم ماه محرم (عاشورا)، بخشدار و امام جمعه بخش مردم را جهت استماع سخنرانی به مسجد دعوت میکنند پس از جمع شدن مردم، بخشدار شروع به صحبت میکند و از ایشان و خداکاری "امت حزب اله" داد سخن میدهد و از مردم تشکر میکند که اینگونه با جانبازی پشت دولت و امام را گرفته اند، سختیها را تحمل کرده اند و... یکی از اهالی از بین جمعیت بلند میشود و خطاب به بخشدار میگوید اگر ما مردمانی انقلابی هستیم، اگر ما مدافع دولت و امام هستیم، اگر ما خداکاری کردیم، پس چرا شما نمی رسید، چرا آنوقت، خواربارو... بوقع به این بخش آورده نمی شود، چرا مسئله آب، موضوع

ضایع دفاع

بقیه از صفحه ۲
کار اعلام شد که کارگران برای سخنرانی جمع شوند که اکثر کارگران بی اعتنا به مسئله سخنرانی سوار سرویسها شده و رفته و تعداد کمی ماندند. سرهنگ مدبر قسمت در این سخنرانی متذکر شد که برنج رسیده و از این پس میتوانی درنهار خوری غذا بخورید در ضمن اعلام کرد که بزودی تا عید همه رارسمی می کنیم البته حقوقها کم است ولی ما سعی میکنیم حقوقها را زیاد کنیم و با چنین قول و قرارهایی سعی کرد کارگران را بفریبید.

اخبار جنگ...

بقیه از صفحه ۶
و فراکز درمانی نیستند و این میزان تلفات را بسیار زیاد کرده است. بیجهت نیست که بعد از دو مین حمله موشکی مردم بهبهان به شهرها و روستاهای اطراف پناهنده شده اند در تاریخ ۱۵ آبان بعد از ظهر، طی یک آمار حدود دو بیست و انت بار پر از سر نشین و اثاثیه از شهر خارج شده اند. این فشار بر توده ها بعدی بوده است که گویا امام جمعه شهر نیز ترک کردن شهر را به توده ها توصیه نموده است.

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

قراردادها

* واردات ایران از انگلیس در ۶ ماهه اول سال میلادی جاری بالغ بر ۳۲۰ میلیون لیره بوده در حالیکه رقم سال مشابه کمتر از این مبلغ بوده و در طول سال ۶۲ به رقمی بالغ به ۶۵۰ میلیون لیره میرسد و این بالاترین رقم واردات ایران از انگلیس بعد از قیام میباشد. لازم به تذکر است که قبل از قیام واردات از انگلیس ۷۵۰ میلیون لیره بوده است و رقم کنونی واردات از انگلیس به این رقم نزدیک شده است.

یکی از ارقام بالای واردات درهای ایمنی مربوط به ساختمان جدید ساواک میباشد که هزینه بسیاری نیز جهت نصب آن از سوی کارشناسان انگلیسی پیشنهاد و مورد قبول واقع شده است. سرپرست هیئت بازرگانی انگلیس که برای شرکت در نمایشگاه بین المللی تهران (یا نمایشگاه حراج نفت ایران) به ایران سفر کرده بود نتایج این بازدید را بسیار تمیز بخش توصیف کرده و تا کید نموده بود که قراردادهائی با تجار ایرانی در محل نمایشگاه برای صدور کالا به ایران منعقد کرده است.

* رژیم جمهوری اسلامی توسط فردی بنام "متین" دلال بین المللی هندی که فعلاً ساکن ایران است ۹۰۰ میلیون تن آهن از آفریقای جنوبی خریداری کرده است. دولت از ایشان خواسته که

سلاح هم از آفریقای جنوبی خریداری کند ولی "متین" گفته بجز سلاح، دلالی هر چیز دیگری را قبول میکند. قاچاق پسته ای هم که توسط وزارت نیرو انجام گرفته بود (در مجلس هم جناب وزیر اذعان کرد) توسط همین شخص انجام گرفته است.

اسناد قراردادهای

رژیم با آمریکا

بدنبال اشغال سفارت رژیم جمهوری اسلامی در بلژیک توسط رفقای ما، اسناد و مدارک بسیاری بدست آمده است از جمله این اسناد قراردادهای وزارت صنایع دفاع و ارتش با نمایندگهای شرکتهای امریکائی در بلژیک مبنی بر خرید میلیونها دلار آلومینیم و وسایل مخصوص اسلحه و مهمات می باشد.

همچنین ظرف دو ماه گذشته قراردادهای رژیم با بلژیک سر به میلیاردها فرانک میزند. این اسناد طبق تصمیم کمیته خارج از کشور در یک ویژه نامه جهان ارگان هواداران سازمان در خارج از کشور منتشر شد که در این ویژه نامه عکسها و گزارشاتی از آکسیون سراسری و فتوکپی اسناد غارت و وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها را نشان میدهد.

اخبار زندانها

در تاریخ ۱۲ مهر ماه هنگامیکه خانوادههای زندانیان برای ملاقات مراجعه میکنند (بند زنان) با فرزندان مصدوم و مجروح خود مواجه میشوند. مادران زندانیان پس از ملاقات بسیار ناراحت بوده و اکثراً از شدت تأثیر گریه میکردند و میگفتند تمام بچه هارا کتک زده اند. مادری میگفت بچه من دستش شکسته و گچ گرفته بود. مادر دیگری میگفت بچه من پایش توکچ بود و یکفرروی دوشی او را آورد. درود به فرزندان انقلابی خلق که حتی در بند دژخیمان نیز به مبارزه و مقاومت ادامه میدهند و ننگ و نفرت بر جنایتکاران و سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی.

جزیره ابو موسی

جزیره ابو موسی - در طرحهای ساختمانی از طبیعتهای مختلف استفاده شده است در آبان ماه کارگران کرد جمع شده صحبت میکردند کمیته می آید می گویند متفرق شوید کارگران اصرار میکنند که چرا متفرق شویم کمیته پافشاری میکند یکی از کارگران فریاد میزند شما ضد انقلابید در کردستان فلان کردید که پاسداران بجمع حمله میکنند کارگران که ۳۰-۴۰ نفر بودند شعار میدهند خلق کرد پیروز است ارتجاع نابود است

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق